

مَائِدَةُ آسْمَائِي

جلد سوم

تأليف

عبد الحميد اشراق خاوری

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بدیع

بنا ب اول - توقیع مبارک، در جواب سئوالات متعدد ه
آباد ه - جناب آقامیرزا بدیع الله خان آگاه علیهمبها، الله
ملاحظه نمایند .

عریضه تقدیمی آن یار عزیز روحانی مورخه نهم بهمن ماه
۱۳۱۹ بلحاظ عنایت حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه
فائز و چهار سئوالی که معروض و استدعای مرحمت جواب از
ساحت اقدس نموده بودید بقبول و اجابت مشرف و مقرون
راجع بصحیفه حمراء که در الواح منیعه مذکور فرمودند
بنویس حضرت عبد البها میفرمایند اصل مقصود از صحیفه
حمراء لوح میثاق است یعنی کتاب عهد در خصوص لیلۃ
القدس و تلاوت ادعیه و الواح مبارکه مخصوصه آن شب ^{ساله} هفتمه
و همچنین درج آن لیله در تقویم بهائی فرمودند بنویس
جایز است ولی درج آن در تقویم بهائی در وقت حاضر
لازم و واجب نه . راجع بلوح مبارک ناقوس و شرح نزول
آن فرمودند بنویس این لوح در اسلامبول نازل شده
بر حسب خواهش آقا محمد علی اعفہانی بواسطه حضرت
عبد البها و این لوح شب پنجم جمادی الاولی لیل صفت
حضرت اعلی بخت مبارک جمال قدم مرقوم و مسطور گردید
تلاوت این لوح در عمان لیله مبارکه محبوب و مقبول
راجع بسئوال اخیر هنگامیکه وسائل مشورت مفقود و شخصی

در انجام امر مهمی متردد استخاره نمودن با کتاب اقدس چگونه است ؟ فرمودند در این موارد آنچه لازم و واجب توجه تام و استمداد از مصدر فیض و الهام است لا غیر و اگر چنانچه تا جیل در تصمیم ممکن تا وسائل مشورت فراهم گردد احسن و انسیب است حسب الامر مبارک، مرقوم گردید .

۱۹۴۱
۱۵ شهرالجلال ۹۸-۲۳ اپریل

نورالدین زین ملاحظه گردید بنده آستانش شوقی

باب دوم - جواب سائل از عالم بعد

حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در توقیع مبارک مورخ ۴ -

شهرالبهاء سنه ۱۰۳ میفرمایند قوله الاحلی :

" راجع بسئوالی که از عالم بعد و ارتباطش باین جهان ادنی

نموده بودید فرمودند بنویس تصور کیفیت عالم دیگر از برای

انسان در این عالم ادنی بهیچوجه ممکن نه ولی روح انسان

پس از ارتقاء واقف بر حال نفوس در این عالم است فراموشی

و انفصال متصور نه ولی کیفیت آن مجهول اتصال ارواح بیکدیگر

نیز محقق " انتهى .

باب سوم - محل تولد حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

در متحد المال ۱۳۷ محفل روحانی بهائیان ایران مورخه

۱۶/۴/۹۴ - ۱۱/۳/۳۱۶ مذکور است :

محافل مقدّسه روحانیّه شید الله ارکانهم در لوح منیع مبارکی
 که اخیراً از ساحت مقدّس شرف وصول مبذول داشته راجع
 بمحل تولد حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرحمه الا طهر فدا
 در جواب سئوال این محفل بیان مقدّس ذیل نازل قوله الاحلی:
 " محفل ولادت مبارک، طهرانست نه تا کورنور " انتہی
 بساب چهارم - توقیع مبارک در جواب سئوالات اینعبد ذلیل
 نگارنده سطور:

همیدان - جناب آقا میرزا اشراق خاوری علیہ بہاء اللہ
 ملاحظہ نمایند .

عریضہ تقدیمی آن یار روحانی مورخہ یوم المسائل من
 شہر المیزہ سنہ ۱۰۹۰ بساحت امنع محبوب مہربان حضرت
 ولی امر اللہ ارواحنا لعنایتہ الفداء واصل و مشروحات
 معروضہ کاملاً در محضر انور معلوم و واضح گردید فرمودند
 الحمد لله بکمال خلوص بر خدمت امر اللہ قائمید و در نہایت
 روحانیت و صفا بادای و تالیفہ وجدانی مشغول و مداوم در
 درگاہ جمال احدیت مقبولید و بطراز جود و احسان ربّ منان
 مزین و آراستہ ہنیتاً لکم من ہذہ المواہب والالطاف
 راجع ہوضعت زندگانی خویش در عمد ان و میل بانقتال و اقا
 در نقطہ دیگر فرمودند بنویس اگر ممکن مرکز اقامت را
 در طہران قرار دہند و در لجنہ خدمات امریہ با یاران الہی

مشارکت نمایند . راجع بد و علامت بلوغ عالم که در کتاب مذکور معروض داشته بودید فرمودند مراد مبارك در لوح سلمان نازل قوله الاحلی :

" از جمله علامت بلوغ دنیا آنست که نفسی تحمل امور سلطنت ننماید سلطنت بماند واحدی اقبال نکند که وحده تحمل آن نماید" . در خصوص بیان مبارك در سوره صلوة قد اظهر مشرق الظهور آیا لفظ مشرق بصیغه اسم مکان یا بصیغه اسم فاعل است؟ فرمودند کلمه مشرق بصیغه اسم مکان باید قرائت شود .

واینکه معروض داشته بودید در صلوة حین زوال در نسخه‌ها در بیان مبارك فرق و تفاوت است فرمودند اصل آیه که بخط مرحوم زین المقربین از اینقرار :

" اشهد فی هذا الحین بمعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک "

راجع بآیه مبارکه قد ظهر سر التنکیس لرمز رئیس و الف قائمه سؤال نموده بودید فرمودند بنویس آیه کتاب اقدس اشاره بکلمات شیخ احمد احسائی است در مکتوبی که در ذکری قائم موعود مرقوم نموده مقصود از الف قائمه ظهور قائم آل محمد یعنی حضرت اعلی است و او اول که قبل از الف است و عدد آن شش است اشاره باد و ارسابقه و مظاهر قبل است

واو ثانی که حرف ثالث کلمه واو است مقصود ظهور اقدس
کلی جمال ابهی است که بعد از الف ظاهر گشته و اما بیان
مبارک، که میفرماید حضرت نون و نون دیگر فرمودند نون اول
ناصرالدینشاه و نون ثانی نایب السلطنه کامران میسرزا
حاکم طهران .

همچنین فرمودند در عتبه مقدسه جمال ابهی دعا و نیاز
میشود تا رمد عارضه رفع گردد و قوت باصره مانند روشنائی
بصیرت پر نور و ضیاء شود تا بانجام تألیف کتاب مؤید
و موفق شوند مطمئن باشند و برای فوز بتشرف و زیارات
فرمودند بنویس انشاء الله موانع داخله و خارجه بگسی
مرتفع گردد حسب الامر مبارک مرقوم گردید .

نورالدین زین ۶ شهر القدره ۹۰ - ۹ نوامبر ۱۹۳۳
ملاحظه گرید بنده آستانش شوقی

باب پنجم - توقیع مبارک، در جواب سئوالات متعدده که در
توقیع مورخ ۱۵ شهر العلم سنه ۸۹ و لوح دیگر نازل شده
از اینقرار :

سئوالات مذکوره کل از نظر اقدس گذشت فرمودند
مقصد از اجرای احکام منصوصه کتاب اقدس است
آنچه منصوص نه راجع به بیت عدل اعظم است عجالتا آنچه

را محافل روحانیه راجع بامور غیر منصوصه قرار دهند مقبول
و متبوع است بقدر امکان امنای محافل باید حریت افراد را
ملاحظه نمایند و احکام و قوانین جزئیه وضع ننمایند و مقید
بقیود کثیره نگردند . ذیقعدہ ۱۳۴۷

راجع بباب دوم پولس رسول در ذکر مرد شیر که برهیکل خدا
می نشیند سؤال نموده بودید فرمودند مقصود ازل است
۴ شهرالقدره ۹۲ - ۷ نوامبر ۱۹۳۵

راجع بجمع آوری اشیای متبرکه که در نزد قدمای یاران الهی
موجود است فرمودند بنویس تکلیف جائزه احبّارات شویق
نمائید تأسیس حنایره القدس در هر بلد و قریه ای لازم و واجب
و حجره ای از حجرات آن باید تخصیص جهت محافظه آثار اوست
شود و آنچه یاران بطیب خاطر و صرفاً طبع بواسطه محفل
تقدیم محافظه امر نمایند باید باسم آنان محفوظ مانده
و آنچه در خصوص موقوفات پارسیان که قسمتی از آنها در تولیت
پارسیان بهائی است معروض حضور اقدس داشته بودید که
خوب است صرف مدارس و معارف بهائی شود فرمودند
بنویس وقتش خواهد رسید در این ایام چنین اقدامی جایز
۳۰ اکتبر ۱۹۳۲ - ۱۵ شهرالعلم ۸۹

(بیانات مبارکه فوق در سه فقره الواح در جواب سئوالی چند
بافتخار آقای اسفندیار مجذوب نازل شده است)

باب ششم - درباره اینکه فقر و غنا بارادة الله است
میفرمایند : از حیفای بطهران جناب حاجی محمد سمنانی
خوروش زید عزه العالی .

هو الله تعالی

حبیب محترم عریضه مشروح پراه و انین که شرح حال آن یار
دیرین بود بمطالعہ همایون غمین دَوَّحَه فیض رب العالمین
فدیت جمالہ المبین رسید و صدر مراد اصفی بینهایت متأثر
و غمگین گردید فرمودند قل کل من عند الله
هزار نفس برآرد زمانه و نبود

یکی چنانچه در آئینه تصور ماست

در عالم وجود از برای انسان بصیر عرش اعلائی بهتر از مقام
عبودیت عظامی نه و سدره منتهائی اقوم و ارفع از رقیّت صرفه
در گه کبریا نیست ماکل بندگان آن آستانیم و پاسبان آن
در گاه فضل و احسان جز این هر فکری اوهام است و همسر
تصویری اضغاث احلام از جمله معنی عبودیت محضه آنکه
نزد آن اراده مطلقه جز تسلیم و رضا نخواهیم و غیر توکل و
اعتماد به آن مشیت محیطه نجوئیم چه بسمعی و اهتمام
قوانین کلیه عوالم غیب و شهود تغییر نیابد و آن مقدرات
عظیمه و میزان قضای لایتناهی عستی و وجود تبدیل نجوید
پس از برای نوع انسان سعی و تدبیر از این دو لازم که اقوال و

اعمال خویش را با قانون قدرت کامله مطابق نماید و کمال تدبیر آنکه شخص بصیر حرکات و سکانات خود را به آن مصدر مطلق و ناموس اعظم معاینه فرماید (نه آنکه غیر آنرا بخواهد) تا افکار بر محور اعتدال دوران کند و آمال مایه کدورت و ملال نگردد و قلب مبارک حضرت انسان و سرور ذاتی و غنای فطری محجوب و مهجور نشود بیگمان یکی از نتایج مهمه شرایع الهیه اینست که انسان در آنچه دست قدرت و نظم الهی باو عنایت فرموده راضی باشد و آنرا بموقع و اعتدال بکاربرد و در آن خوش ماند و یقین نماید که هرگاه از آن مقام مقدر تجاوز خواهد و روی عدم اعتماد و توکل نهد بجای سرور کدورت یابد و بعکس اطمینان و سکون اضطرار و فتور یبند بنا علیهذا مظاهر الهیه امر بتوکل و اعتماد باراده غالبه فرمودند و عقلای امم حکم بگفتار و رفتار معتدلانه نمودند و همیانست و سرور عالم انسانی را منوط بر رعایت احکام متقنه گفتند چه اگر بغیر متابعت قوانین خداوندان دانش و داد عمل شود غلبه افکار غیر معتدلانه مزید اضطرار و اضطراب گردد و دل و جان را از سکون و قرار بازدارد و از نشاط و انبساط روحی مانع شود اینست که در عالم خلقت کمال مطلق یافت نشود و هیچ مخلوقی از ملال خالی نباشد هیچ تنی از اندوه و کلال فارغ نه هرکه بامش بیش برفش بیشتر درویش را غم

نانی جهانبان را غم جهانی یکی مبتلای مشاکل سیاسی
 است یکی دچار زحمات تجاری و یا زراعی بعضی غریب
 مصائب قومی و وطنی و جمعی اسیر انقلابات مذهبی و هریک،
 را گمان چنان که اگر در آن طریق مخصوص سیر و سلوک، نمینموند
 بآن گونه بلا یا مبتلانمیشد بلی نوع بشر اگر عموماً مطابق
 قانون و ناموس جلیل اکبر روش و سلوک، مینموند بی شبهه
 هر زحمتی برحمت مبدل میشود و هر نعمتی به نعمت تبدیل
 میگشت ولی من دون آن البته وقوع صدمات و مشکلات برای
 هر طبقه یقین است و حدوث نامالایمات و مصیبات حتمی
 نهایت کسانیکه در سبیل الهی تحمل بلا یا کنند و در اجرای
 تعالیم مقدسه قبول رزایا نمایند این تحملات آنان خدمتی
 بعالم انسانی است و سبب ترویج عزت الهی و اما ابتلای
 سایرین فاقد این مقام جلیل و فیض عنایتیم پس خوشحال
 آن وجود باسجود که در خدمت عالم انسان صدمات شدید
 دیدید و بلا یای عدیده تحمل فرمودید مطمئن بفضیض عالم
 بالا باشید و دل بروابط رحمانیه و عنایات صمدانیه بندید
 و تغییرات آفرینش را مایه وجد و نشاط سازید و وسیله طرب
 و انبساط کنید از فیوضات حضرت احدیه استدعا میشود که
 هم عقیدت کامله عنایت شود و هم وسعت و برکت آسمانی
 مهذول گردد تا با سرور جان پرور زندگی از سر گیرند و کام جا

راشیرین ترازشهد وشکر نمایند و با ایمان و عمل صالح
 و صبر کامل تشبث نمایند این بود خلاصه فرمایشات حضرت
 ولی امرالله فدیت بیانه الاعلی که بامر مبارک تحریر شد
 زرقانی .

بنده ممتحن صبور و شکور درگاه ربّ غیور را سرور و حبور موفور
 از حوادث کون مایوس و نالان مگردید در آستان مقدس فرج و
 گشایش از برای آن صابر در موارد بلا استدعا نمایم تا بفرافت
 بال بترویج امرغنی متعال پردازید و بآنچه مقصود و مطلوب
 مقربین است باحسنها و اکملها موفق و نائل گردید
 بنده آستانش شوقی

باب هفتم - در توفیق مبارک بافتخار جمشید رستم جمشیدی
 در جواب سئوالات :

حضرت ولی امرالله در لوح جمشید رستم جمشیدی مورخه
 ۸ شهرالقدرة سنه ۹۲ - ۱۱ نوامبر ۱۹۳۵ میفرمایند
 قوله المعزیز :

" در خصوص حاضر شدن بهائیان در مجامع روضه خوانی و
 جشنهای خصوصی زردشتیان و اسلام سئوال نموده بودید که
 چگونه است فرمودند بنویس : " عدم حضور انساب و اولی
 ولی نوعی سلوک نمایند که اسباب تکدر و تعرض آنان نگردد (۱)

(۱) روضه خوانی - مجالس تذکرمصائب و گریه وزاری بر حضرت

سئوال ثانی در خصوص زردشتیان بهائی که سابق براین در منازلشان کهنبار (۲) بوده و موقوفات دارد کافی السابق

سید الشهدا علیه السلام را که شیعیان اثنی عشری منعقد میسازند مجالس روضه خوانی میگویند قبل از طلوع سلطنت صفویه شیعیان ایران گمنام و پنهان میزیستند و در خلوت جلساتی تشکیل میدادند برای ذکر مصائب حضرت سید الشهدا^۱ و آنرا حلقه ماتم مینامیدند و یکی از علمای معروف (ملاحسین کاشفی) کتابی در وقایع کربلا تألیف کرده بود و نام آنرا روضه الشهدا^۱ گذاشته بود شیعیان در حلقات ماتم آنرا میخواندند متدرجا بر اثر تسلط صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه مجالس عزاداری علنا در همه جا منعقد میشد و گروهی شغل خود را این قرار دادند که در مجالس عزاداری کتاب روضه الشهدا^۱ را بصدا ای بلند میخواندند و در مقابل مبلغی میگرفتند بتدریج این گروه بروضة الشهدا^۱ خوان معروف شدند یعنی کسانی که کتاب روضه الشهدا^۱ میخواندند کم کم بواسطه تخفیف آنها را روضه خوان گفتند که هنوز هم بهمین اسم معروفند ولی اغلب بلکه همه از وجه تسمیه خود بروضه خوان مطلع نیستند .

(۲) کهنبار — در آئین مزدیسنی و روش پارسیان در مدت سال شش جشن در فصول مختلفه گرفته میشود که هر یک را کهنبار یا کاهنبار گویند در فصل ۲۵ بند هش مسطور است اهور مزدا میگوید که خلقت عالم در ۳۶۵ روز بتوسط من انجام گرفت و شش جشن کهنبار در هر سال قرار داده شده است نخستین کهنبار سال در اردیبهشت ماه روز ۱۵ که روزی بمهر است واقع میشود و در این روز آسمان خلق شد

جاری باشد یانه فرمودند : " ترك عادات و رسومات غیر بهائی از فرائض بهائیان آن سامان است ولی باید رعایت حقوق واقف را بنمایند و در جمیع شئون بر راستی و امانت رفتار نمایند . " راجع بسئوال ثالث در خصوص دفن میت فرمودند پای میت باید بجانب روضه مبارکه باشد اگر در گذشته اشتباه شده لا بأس اما در تلاوت تکبیرات در صلوة میت که بلند باشد یا آهسته فرمودند باید باعتدال تلاوت گردد .

و نیز در توقیع جمشید رستم جمشیدی مورخ ۱۰ شهرالجمال ۹۷ - ۷ ص ۱۹۴۰ نازل شده :

" راجع بمراسم ختم (۳) و غیره برای والدین نفوسی از یاران که زردشتی و اسلام بوده اند و وفات نموده اند فرمودند بنویس

در زمین کهنبار در روز پانزدهم تیرماه است که در این روز آب آفریده شد . سومین کهنبار در سی ام شهریور است که زمین در این روز آفریده شد . چهارمین کهنبار روز سی ام مهرماه است که گیاه را یزدان در این روز آفرید پنجمین کهنبار در روز بیستم دیماه است که جانوران آفریده شدند . ششمین کهنبار در آخرین روز کیسه سال است که یزدان در این روز انسان را آفرید طول هر یک از جشنهای مزبور پنج روز است و ایامی که ذکر شد آخرین و مهمترین روزهای هر جشن است .
ملخص از کتاب (پشتها) ص ۵۹۴ - ۵۹۵ برای تفصیل بکتاب مفصله مراجعه شود .

(۳) محافل تذکره برای متصاعدین الی الله گرفته میشود در اصطلاح امروزی ایران مجلس ختم نامیده میشود .

اجرای مراسم ادبانه عتیقه جائز نه انمقاد مجالس ختم
 وتذکر بر حسب آداب و مراسم بهائی جهت متصاعدی—
 غیر بهائی احب و اولی " انتهی .

بـاب هشتم — توفیق باعزاز سرخاب باس آفتابی در جواب
 سئوالات *

حضرت ولی امرالله غصن الله السمماز جل سلطانہ در لوح
 سرخاب باس آفتابی " رئیس محفل روحانی بمبئی " میفرمایند:
 راجع بسئوال ثانی فرمودند مقصود از حروف مذکور حرف
 اول و حرف ثانی اسم مبارک جمال قدم است یعنی ب و ه
 و مقصود مبارک اینست که آنچه در هویت این سه حرف
 مکنون و مخزون است ظاهرنگشته و عالم کون هنوز استغفا
 و قابلیت ظهور و بروز تجلیات الهیه را بتمامهانیافته بتدریج
 آنچه در هویت حرف ثالث که متمم اسم مبارک است مستور
 و مندمج است برعالمیان ظاهر و مکشوف گردد فرمودند
 و در مقامی دیگر مقصد وصف بلایای وارده بر جمال مبارک است
 که از حد و احصاء خارج و شمه از آن بواهل عالم معلوم و
 مکشوف.

راجع بتلاوت زیارتنامه فرمودند بنویس منحصر بحضرت اعلی
 و جمال مبارک است اجتماع یاران در لیلہ صمود هر یک لازم
 و واجب مگر لیلہ صمود حضرت و رقه علیا و اشتغال با مسور

یوم شهادت حضرت اعلیٰ و صعود جمال مبارک از محرماتست
 لا غیره همچنین فرمودند تاریخ تفصیل صعود غصن اطهر
 در تاریخ و تألیفات نبیل زرندی مذکور و مثبت من بعد
 منتشر خواهد شد ... "

حسب الامر مرقوم گردید نورالدین زین ۲۷ اگست ۱۹۳۳
 انتہی

بَاب نهم - توقيع مبارك در باره عملاء

حضرت ولی امر الله جل سلطانہ در لوح منیع مورخ ۱۶ شهر
 الشرف سنہ یکصد و دوم تاریخ بدیع صیفر مایند قوله الاحلی:
 " در خصوص نماز فرمودند بنویس " نماز تکلیف شرعی یاران
 است و از ارکان شریعت الله محسوب و تأثیرش از ادعیہ
 و مناجاتهای نازلہ شدیدتر و چون فرض و واجبست مؤمنین
 و مؤمنات را در ہر یومی از ایام بذکر حق متذکر و مشغول گردانند
 و از غفلت و فراموشی محفوظ و مصون نماید . " انتہی

(لوح دکترا لطف الله حکیم)

بَاب دہم - در توقيع مبارك در باره کیفیت صد ورتویعات
 مبارکہ حضرت ولی امر الله جل سلطانہ در توقيع منیع مورخ
 ۱۶ شهر الشرف سنہ ۱۰۲ تاریخ بدیع صیفر مایند قوله الاحلی:
 " اینکہ سئوال از تویعات مبارکہ نموده بودید کہ تحریرش
 بچہ صورت و وضع است مطلب را عیفر مایند و منشی مینگارد

و یا آنکه دیکته میفرمایند ؟ فرمودند بنویس " مراجعه
 بمکاتیب این عبد نمایند آنچه علامت گذاشته شده نص
 عبارت این عبد است که بر حسب دستور کتبی این عبد کاتب
 مرقوم نموده اجوبه مکاتیب احبا پس از ملاحظه و تطبیق
 من دون استثناء ارسال میگردد " انتهى
 و در توقیع جناب فاضل یزدی از قلم مبارک صادر شده
 قوله الاحلی :

" یار منوی آنچه در درجه اولی از اهمیت است بخط
 یا امضای خویش ارسال نماید و اما امور ثانویه را دستور
 جواب دهد و غیر مستقیم باحبا الله ابلاغ نماید ... "

انتهی

باب یازدهم - درباره اکسیر اعظم

حضرت ولی امر الله جل سلطان در توقیع مبارک مورخ ۵ شهر
 السلطان سنه ۱۰۲ میفرمایند قوله الاحلی :

" راجع باکسیر اعظم و کشف آن فرمودند بنویس " مقصود را
 ارباب علوم حاضره کشف ننموده اند آنچه تا بحال اکتشاف
 نموده ارتباطی باکسیر اعظم نداشته و ندارد " انتهى
 (لوح جناب قائم مقامی)

آنچه از الواح شامل اجوبه سئوالات مختلفه که در دسترس
این عبد بینوا بود در ضمن سه فصل چنانچه مشاهده
فرمودید بانظام و ترتیب مخصوص تنظیم گردید و در این مقام
قسمت اول از کتاب مائده آسمانی را به پایان رسانید به قسمت
ثانی شروع مینمایید و آنچه از الواح شامل جواب مسئله هئا
و غیرها که بدست بیاید بخواست خداوند در مجلد ثانسی
مائده آسمانی تنظیم و مندرج خواهد گردید .

در تصحیح و مقابله الواح مندرجه در این دفتر سعی بلیغ
مبذول گردید و تا آنجا که با صره ضعیف این عبد اجازه میدا
و توانائی داشت هم قبل از شروع بتکثیر و هم پس از آن کرارا
اوراق استنسیل و نمونه اول آن مورد تصحیح قرار گرفت
و چون هیچکس برای معاونت این عبد از هیچ جهت
موجود نبود لذا امید است احببای الهی اگر در ضمن
مندرجات با اشتباهات و اغلاط املائی که در ضمن تکثیر رخ
داده و ضعف بصر بنده از مشاهده آن مانع بوده عذر این
عبد را قبول فرمایند و خود تصحیح کنند .

مطلب دیگر آنکه چون گاهی بین نسخه های خطیه
الواح در برخی کلمات بواسطه سهل انگاری کاتب اختلاف
موجود است مندرجات این کتاب که از روی نسخه موجوده^{نقل}
شده اگر بانسخه قارئین گرام در برخی موقع و مواضع فرق

واختلاف داشت مسئولیتی متوجه این عبد نخواهد بود
زیرا نسخه اصلی کتبه الواح در دست نیست تا با آن تطبیق
شود . والبهاء علی اهل البهاء .

طهران ۱۰۴ - ۱۳۲۶

اشراق خاوری

~~~~~

~~~~~

در این ضمیمه چند لوح^{که} از قلم مبارک حضرت ولی امرالله
جل سلطانیه در باره مواضع مختلفه صادر گردیده مندرج
میشود :

قوله الاحلی :

" و چون تکلیف شدید آن است که افکار را حصر نموده
بتمام قوی و بمشورت احباء متوجهها الیه و معتمد اعلیّه
تمهیدات مبهمه لازمه از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل
حلال مشکلات و واضع احکام و شرائع غیر منصوصه و مبین امور
مبهمه است حتی المقدور فراهم آرد لذا زیاران باوفای
جانفشان حضرت عبدالبهاء در تمام نقاط امریه در ایران
بواسطه اعضای محترمه این انجمن مرکزی استدعا دارم که
عجالتاً تا این مرجع تشکیل و تأسیس نگشته امورا احبا منفردا
و مجتمعاً در هر بلده ای از بلدان راجع بمحفل روحانسی
خصوصی آن شهر گردد و اعضای این هیئت بحبل مشورت^{در}
نهایت توجه و تجرد از نفس و هوی تمسک نمایند و آنچه را که
اراده مبارک در آن دانند مجری دارند و اگر امر مهمی
در بلده ای از بلدان بمیان آید اعضای انجمن آن شهر
بالاتفاق او با اکثریت آراء صلاح دانسته بمحفل روحانسی
مرکزی اقلیم که در طهران است مراجعه نمایند و همچنین در
اموری که محافل خصوصی بلدان در آن مختلف الرأی گردند

آنرا هم محول بمحفل مرکزی طهران نمایند و هر چه راکه این مرکز اجرا نتواند و صلاح داند بارض مقصود باینعبد نالایق اطلاع دهد تا در نهایت خلوص و توجه هدایت مبارک و اراده مقدسه شرابطالب شوم و آنچه راکه مروج مصالح امریه و جالب تائیدات الهیه است معلوم و مجری گردد جمال قدم جل اسمه الاعظام میفرماید خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا مشورت و شفقت و حضرت عبدالبهاء در لوحی از الواح باین بیان ناطق از مشورت مقصود آن است که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعنام از قوت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریا و مأموریه آن از امور عادیه شخصیه گرفته تا امور کلیه عمومیه مثلا شخصی راکاری در پیش البته اگر با بعضی اخوان مشورت کند تحسری و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود و همچنین مافوق آن اگر اهل قریه ای بجهت امور خویش بایکدیگر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از اصناف مثلا اهل صنعت در امور خویش بایکدیگر مشورت نمایند و تجار در مسائل تجاریه مشورت کنند خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و امور الی آخر بیانه الاحلی لذا انظام عالم بهائی و ترتیب

وتمشیت امور امریه من دون تأخیر و در نهایت اتقان متوقف بر آن است که محافل روحانی بقدر امکان در تمام امور امریه راجع با افراد و جمع احباً مذاکره و مشاوره نمایند و ترتیب و قرار دهند و مهام امور را که متعلق باقلیم ایران است بمحفل مرکزی آن اقلیم مراجعه نمایند و آنچه را که آن مرکز صلاح داند و مشورت با ارض مقدس را لازم و واجب شمرد فوراً مخابره نماید و چون بیت العدل عمومی تأسیس شود آنچه قرار دهد من عند الله است و تحت صیانت و عصمت و حراست جمال ابهی امور باین نحو مرتباً سریعاً مکملاً مجری گردد و وحدت بهائی محفوظ ماند و ارتباط محافل روحانی بیکدیگر محکمتر و شدیدتر شود و آنچه از محافل و کمیته های متنوعه از برای حفظ و ترویج امرالله در بین احبا در شهری تأسیس گردد ^{کل} باید در ظل محفل روحانی آن بلد باشد اطاعت آنرا نماید و بر حسب دستور العمل محفل روحانی حرکت نماید مرجع و مخاطب محفل روحانی باشد نه سائر محافل خصوصی احباً ولی آنچه الزم و اهم و اعظم است تبلیغ امرالله است و تولید آن روح و ذوق و شوق ترویج کلمه الله در قلوب افراد احبا بقدر امکان نظر را باید از ترتیب تنظیم امور داخله احبا باتساع دائره امر و انتشار نفعات الله در بین سائرین متوجه نمود و قائق و جزئیات امور را تا حدی

ترك نمود و در مهام امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعت الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است کوشید تا طمه ای بر امر الله وارد نگردد و بلیات و شهادت حضرت ربّ اعلی و اسیری و زندانی جمال قدم و بلیات متتابعه بر حضرت عبدالبهاء و دم اطهر شهداء همد در سرود و وعده های صریحه منزله از قلم میثاق تحقق یابد قوله الاحلی : " این موهبت عظامی و این منقبت کبری خال اساسش بید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدّس است ظاهر و آشکار گردد الان بدایت انبئات است و آغاز ظهور آیات بینات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی " ایدنا الله اجمعین علی بث تعالیمه فی کل الاقطار و حفظ حصن امره من شرّ الاعداء والتوجه الیه والاستعانة منه فی کل الاحوال .

(استخراج از لوح مبارک، ۱۵ شباط ۱۹۳۲)

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" روحی لمحبتکم الفداء فی الحقیقه دوستان الهی و اماء رحمانی در این ایام ظلمانی هر چند آتش حرمان مشتمل و پیریشانی و انقلابات در تمام نقاط و جهات بر عالم امکان

مستولی ولی چنان وفائی ظاهر نمود و همت و اقدامی
 فرموده که این سوختگان آتش فراقش تسلیت جستند و این
 قلوب محترقه اطمینان و تسکین یافته اند . در این ایام
 عالم وجود در مهلکه عظیم افتاده و از اعماق قلوب نرسد ای
 نجات و استخلاص از شر این مخاطر مرتفع قلوب پریشان
 است و نفوس تشنه ماء معین صلح و سلام و ارواح از نتایج
 وخیمه و مضرات مهلکه ضغینه و بغضا و ظلم و جفا و حقد و حسد
 مشمئز و در عذاب است و عموم از امتداد جنگ وجدال و حرب
 و قتال خسته و نالان . از حریت مفرطه و تضعیف و تذلیل قوه
 دیانت هرج و مرج راه یافته و برمکاید سیاسیه و منازعات
 اقتصادیه و مشکلات جنسیه افزوده جز قوه امرالله هیچ
 امری و هیچ قوه ای این مفسد قویه را اصلاح ننماید و جز
 تعالیم سماویه که در این ظهور بدیع کاملاً از سماء مشیت
 الهی نازل گشته این علل و امراض مزمنه را شفا ندهند
 پس احبای الهی که منادیان این امرند و ناشران این
 تعالیم باید الیوم باعمال و کردار و رفتاری در بین عموم
 ظاهر شوند که نفس اعمال غافلانرا تبلیغ نماید و تشنگان ط^{لبین}
 نجات را هدایت کند چه بسا از لسان اطهر میثاق شنیده
 شد که اگر فردی از افراد احباً باجرای یک تعلیم از تعالیم
 الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید

و در تمام شئون حیات خویش این يك تعليم را منظر و نظر داشته باشيد و در تمامها اجرا نماييد عالم عالمی ديگر شود و ساحت غيرا جنت ابهى گردد ملاحظه نماييد كه اگر احبای الهی كلا فردا و مجتمعا باجرای وصايا و نصايح قلم اعلى قيام نمايند چه خواهد شد اميد اين عبد آستان و دعای اين بنده ناتوان آن است كه آن ياران كه چنين الطافى در حقشان در گذشته ايام مبذول گشته و چنين نفوس جليله‌اى از ميانشان قيام نموده تبليغ امر الله نمودند و بيشهد فدا شتافتند اليوم بهمان روح الهى مبعوث شوند و بجان و دل بكوشند تا وعده هاى كامله و بشارات قلم اعلى يك يك تحقق يابد و اين عالم ناسوت از شر اختلاف و تعصبات رهائى يافته در ظل ظليل شريعت الهى وارد گردد و براحت و آسايش حقيقى فائز شود .

بنده آستانش شوقى

و نيز ميفرمايند قوله الاحلى :

" ياران و ياوران حضرت عبد البهاء و برادران و خواهران روحانى اين عبد آستان راهمواره در جوار اين بقاع عليا جلوه اى جديد و استقامتى شديد و شور و ولهى بديع در ترويج و خدمت امر الله از عتبه مقدسه مستدعى وسائل و بشارات متواصله را از آن صفحات مباركه در نامه هاى

آن عزیزان منتظر و مشتاقم از آن اماکن مقدسه انوار فجر
 ظهور الهی دید و اولین ندای امرالله مرتفع گشت آن بلده
 طیبه مصدر و منبع فیوضات الهیه شد و بد قدرت اساس
 این بنیان رفیع را اول در آن مدینه جلیله بنهاد از آن شطر
 مبارک، بشارات یوم جدید بگوش قریب و بعید و اهل گردید و
 علائم ظهور امر رحمان از آن سامان واضح و عیان شد
 حضرت بهاء الله روحی لمضجعه الانور فداء کرارا و سرارا
 شفاها و درالواح محکمه اش تقدیر و توصیف آن یاران رانمونه
 و فتوحات روحانیه و ترقیات کلیه بآن عزیزان وعده فرموده
 و مولای عزیز مهربان حضرت عبدالبهاء نظر شفقت و عنایتش
 را از آن جمع بازنداشته بتوجهات مخصوصه و تلطافات
 قلبیه و تشویقات متابعه محافظه و تربیت فرمود حال وقت
 آن است که بهمت منتسبین شجره مبارکه الهیه حضرات
 افنان دوحه بقا و قدما احبا و جوانان مستعد براهتمام
 آن صفحات و سایر یاران و اما رحمن آتش محبت الله
 شعله زند و قوه امر حضرت بهاء الله ظهور و بروزی عجیب
 نماید آن تخمهای افشانده از اراضی قلوب انبات نماید
 و آن دعا مسفوکه در سبیل امر الهی نتیجه و ثمری بخشند
 شبهه ای نیست که در این ایام که آشوب و انقلاب و عروج
 مرج آن اقلیم را فرا گرفته احبای الهی باید در تبلیغ

امرالله و انعقاد محافل و مجالس و صحبت و مذاکره با
 مبتدئین نهایت حکمت و بردباری و هوشیاری و ملاحظه را
 مجری دارند پرده دری بهیچوجه ننمایند و از حد اعتدال
 خارج نگردند امور روحانیه امریه را کُل بمحفل روحانی
 خویش رجوع نمایند و نهایت ثقه و اعتماد را با اعضای محفل
 شور داشته باشند و اعضای محفل بتمام قوی و بنهایت تجرد
 و صفا و خلوص و همت بتمشیت امور پردازند بمصالح و امیال
 شخصی خود ناظر نباشند در محافظه امرالله و توقیر و تجلیل
 آن درانظار مردم سعی بلیغ منظور دارند این هیجان
 واضطراب هیچ شبهه نبوده با من و امان و راحت و اطمینان
 و ارتفاع امر الهی و تمیز و نصرت احبباً و تذلیل و پریشانی
 اعدا مبدل خواهد گشت باید کل در اعتماد و اتکال چون
 جبل راسخ باشیم و در اظهار عقاید امریه خویش هوشیار
 و بیدار این غیوم مظالمه بمرور ایام متلاشی گردد و حکمتهای
 بالفه احدیه من بعد مکشوف و واضح شود خطه ایران
 علی الخصوص مدینه شیراز سراپا روشن و منور گردد روح بعالم
 امکان دمد مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته
 در قطب آفاق ندای یابها^ء الابهی را بسمع جهان و جهانیان
 رساند حال وقت استقامت است و عمل بموجب نصایح
 ربّانیه تشویق و تحریض بر تبلیغ است و استعانه و استمداد

از حقّ قدیر ازاله کدورت و اغبرار است و تشدید روابط
الفت و اتحاد حقیقی در بین احبّاء این است آرزو و تمنّای
و دعای این عبد از عتبه مقدسه شبهه ای نیست که آن
یاران این عبد ناتوان را بهترین مساعد و ظهیر در این امر
مبرور خواهند بود .

بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" متوجّهین بمنظار اعلی و مقتبسین انوار مشرقه جمال ابهی را
در این بقاع علیا اکتشافاتی جدیده و تجلیاتی بدیسه
واقدماتی کلیه در ترویج و تعمیم تعالیم حضرت بهاء الله
خواهم و نشئه جدیدی و ظهور و بروز کاملی در میدان
امر الله طلبم عالم امکان مایوس و ناتوانست باید در این
عصر مجید بهائیان عالم علی الخصوص یاران شرق بسروح
ایمان نَفْحَه امید در جسد امکان دهند و بقوه روح القدس
این ضعف و ناتوانی را بصحّت و توانائی تبدیل نمایند
دول و ملل عالم بجدال و خونریزی و قتال مشهور و مألوف و
معتاد گشته بساط صلح و آشتی دائمی حقیقی را بعید المراء
بلکه در این عصر و قرن ممتنع و مستحیل پندارند یوم یوم
احبّاء الله است که بقوه بیان و اعلان و اثبات آثار مبارک که
اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را بدیده جنگجویان

و مایوسان عالم بنمایند و باظهار و شرح وعده های محکمه و بشارات مبارکه لزومیت تأسیس صلح اعظام را بمنکرین و معترضین بدلائلی مقنعه اثبات نمایند افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان غافلند که محو و ازاله تعصبات متنوعه متزایده عالم را بهیچوجه قابل الاجرا و ممکن الوقوع ندانسته تأسیس عمر طلائی موعود را مثلنون و موهوم شمردند روز روزیاران حضرت عبدالبهاست که باعمال و رفتار و گفتار و کردار تعالیم سماویّه را کلاً یک، یک در حیات خویش مجسم نمایند و هر یک بشیر آن عمر مشمشع نورانی گشته اند ابقرّب وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردد و انکار و اعتراض مادیون عالم را بایقان و اقبال و توجه تام تبدیل دهند این است اولین وظیفه هر شخصی که خود را نسبت بامر حضرت بهاء الله دهد باین نام مقدس مبارک در میان اهل عالم معروف شود و الا اگر کردار ممدّ و مثبت گفتارنشود روح الهی از نفوذ و تأثیر باز ماند و از جلوه و شکوه ممنوع گردد . در این سبیل همت موفور شرط اول است و هر صبح و شام بلکه هر دقیقه و آنی مستمرا جهدی بلیغ لازم و واجب اگر سعی و کوشش مبذول گردد و صبر و شکیبائی و پیداری و هوشیاری از نظر محو نشود و بدعا و تضرع و استغاثه و استعانه از ملکوت الهی منضم گردد شبهه ای نیست که

تائیدات پی در پی رسد و بهائیان من جمیع الوجوه چنان ممتاز از سایرین و فائق بر رجال گردند که ندای اسم اعظم عالمی را مجذوب نموده از وضع و شریف گل ساجد و خاضع این امر رحمانی شوند و سلطنت ظاهره باطنه حقیقیه حضرت بهاء الله را بچشم سر و سر بینند که چه نحو بر تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشئه حیات حقیقی و روح ابدی در ارکان عالم دمیده چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود بزودی زود بدو نفتور و تأخیری جلوه گر گردد و چشم روحانیان بتحقق وعود الهیه منور شود هر یک از این حزب مظلوم عزیز دوعالم شود و سرور جهانیان گردد و جیش الهی بفتوحاتی روحانی و ابدی فائز گشته مظفر و منصور شود در حق آن یاران از اعتاب علیا فراغت و آزادی از شئون دنیا خواهم تا در نهایت سکون و راحت بتمام قوی در پیشرفت مقاصد روحانیه و اتساع خدمات امریه قیام نمائید و موفق گردید نظرش شامل است و الطاف و تائیدش کامل تا همت احبباً چه نماید و تخمهای افشانده ید عنایت حضرت عبدالبهاء در این سنین متوالیه از اراضی قلوب آن یاران بچه قوت و سرعتی انبثات گردد و نشو و نما کند شبهه نیست که هر یک از آن مدعوین مائده رحمانی و مختارین ملکوت الهی جمعی را در ظل ظلیل کلمه الله وارد خواهند کرد وصیت

امر مبارك را در آفاق مشتهر خواهند ساخت ولی آنچه را این
 عهد استدعا و تمنا نماید همانا وقایت و حفظ امر الله است
 و مزید در وفقیّت یاران الهی تا بهیچوجه خلل و فتوری در
 پیشرفت امر الله حاصل نگردد و من دون تأخیر در نهایت
 قوّت و سرعت و ابهت و جلال تمام مقامد و آمال و مآرب
 بندگان جمال الهی در این عالم وجود تحقق پذیرد
 و شبهه ای نیست که باثر ادعیه خالصه آن وجودات مبارکه
 و جان نثاران و خادمان عتبه مقدسه این دعا مقرون باجابت
 گردد و این غیوم متراکمه روزی متلاشی گشته اشعه تائید
 بی دربی اشراقی شدید در ارواح و نفوس نماید و نصرت
 محتومه امر حضرت بهاء الله را بر عالمیان وانمح وثابت گرداند.
 بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" فدیتم بروجی و فوادی یا احبّاء الله و امنائه در این حین
 که بیاد آن نفوس خالصه مخلصه و هادیان امر رحمانی در آن
 صفحات افتادم بقلبی طافح از محبت و اشتیاق قلبم را
 برداشته تا احساسات و عواطف قلبیه این عبد نسبت به آن
 دوستان عزیز که همریك، معین و ظهیر این فانی در ترویج امر
 الهی هستند ابراز و اظهار نمایم هر چند در تحریر و مخابره
 ظاهره تأخیر و فتور حاصل گشته ولی همواره قلبم بروابطی

روحانی مرتبط بآن یاران بوده و جان و روانم بذکر و فکر
آن حبیبانک همدم و مانوس این ایام ایام انقلاب است
و علائم و بشارت بشارت موعوده در کتاب در بروز و ظهور زمان
اطمینان است و اوقات همت و استقامت و خدمت بامر الله
هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و نوع بشر بر مخاصمت و منازعات
مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بیفزاید اشعه
امید پرتوی شدیدتر اندازد. قلوب یاران بتحقیق آمال
و ایفا و اکمال وعده عمای الهی شاد و مطمئن تر گردد و لسی
این بشارت موعوده تحققش متوقف بر همت یاران است
و استقامتشان در سبیل اعلائی امر الله منوط بتوجه و استعانه
مستمری آن نفوس از مصدر الطاف است و مشروط بمراعات
حکمت و توطید ارکان مشورت و تألیف قلوب در بین احببنا
الحمد لله که در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع
بامور اصلیه و فرعیه جزئییه و کلیه علمیه و فنییه مادیه و ادبیه
سیاسیه و اقتصادیه چنان عالم را احاطه نموده که شبهه آن
از اول ابداع در هیچ مظهری از مظاهر قبل و هیچ عصری
از اعصار غابره دیده و شنیده نشده شخص بهائی اگر توجه
تام باین آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم
سماویه کند و معانی دقیقه و حکمتهای بالغه موعده در هر
یک را بدقت و ملاحظه از آن استنباط نماید از هر محنت

و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدوری
 در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند
 وقت آن است که نور این تعالیم کافیه شافیه که کافل نجات
 و استخلاص این عالم پراختلاف و ظلماتست بهمت آن حبیبان
 و استعمانت دوستان و حکمت یاران و خلوص و جانفشانی احبا
 بر عالم بشر پرتوی شدید افکند و این سیئات عالم وجود را
 بحسنات تبدیل نماید و این اضطراب و دهمشت و روح انتقام
 و ضغینه و خوف را که ارکان عالم را متزلزل نموده باطمینان و
 راحت دل و جان و حب و وداد و الفت و التیام و اخسوت
 حقیقه مبدل نماید تا امر جلیل حضرت بهاء الله پرده
 برانداخته ولوله و آشوبی در قلوب و ارواح اندازد و صوت
 تهلیل و تکبیر و نعت و وصف جمال ابهی و قوه حضرت
 عبد البهاء عالم کون را باعجاز آرد . احبای الهی منصور
 و مظفر گردند و اعدای الهی مقهور و معدوم امر الهی سلطه ای
 جهانگیر یابد و قوای ملکوت بر ممالک و افراد بشر مستولی گشته
 این قطعه زمین گلزار و گلشن گردد پس باید باמיד همچو
 روز مبارکی در نهایت شور و همّت و توکل و اعتماد قیام بر نشر
 نفحات نعلیم تا بمقصد اصلی فائز گردیم و امر الهی را بتمام
 قوی نصرت نمائیم و بمشاهده جمال اقدس ابهی و فوز لقای
 مولای حنون حضرت عبد البهاء باجر و ثوابی جزیل در ملکوت

ابهی فائز و نائل گردیم هر دم منتظر بشارات روح انگیز
از آن نواحی و صفحات بوده و هستم و بیاد آن منادیان
امر الهی در این جوار مقدّس مانوس و مأسوف ،

بنده آستانش شوقی

حمد و ثنا عنایات و تائیدات غیبیه جمال ابهی را که این
حزب متشتت مظلوم را در این هممه و آشوب محافظه فرمود و
نصرت بخشید بساط اعدای امرش را در هم پیچید و زلزله
بارکان آن مخربین بنیان الهی انداخت اشعه ضعیفه
امید حسودان را بظلمات یأس مبدل کرد و جنبش و حرکت
مذبحه اهل نقض و فساد را بخمودت و موت ابدی تبدیل
داد آنچه در حق آنان وعده فرمود ظاهر و عیان کرد و نور
هدایت و قوه مستمره روح مقدّسش را بر هر مرتابی مکشوف
و مبرهن فرمود پس چرا خاموش نشینیم و حزن و اندوه بخورد
راه دعیم . هنگام خدمت و نصرت است و ایام ایام استقامت
و جانفشانی در سبیل امرالله تقدیرات الهیه را جز آن عالم
غیب و شهود دیگری نداند و آنچه را آینده از حیث غیب
بحیث شهود رساند هیچ نفسی از پیش واقف نگردد ولی شکر
آن مولای حافظ و ناصر را که بوعده همائی روحبخش چنان
قلوب این خسته دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن
و بلا یا مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض

واعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد ادنی غباری
 بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء نه نشیند و غیوم
 مظلمه حیرت و افسردگی انوار امید و اطمینان را از ظهور
 و اشراق در قلوب محافیه احباً منع ننماید حضرت بهاء الله
 در این معرکه عظمی که عالم وجود را بحرکت آورده از افق
 ابهایش نظری انداخته بآهنگی ملکوتی منادیان امرش را خطاباً
 میفرماید و نریکم من افق الابهی و نصر من قام علی نصره
 امری بجنود من الملاء الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین
 آن جیش عزرم تائید ممد و ناصر و ظهیر این آوارگان
 است و قوای مادیه عالم از تائیدات جنود ملاء اعلی محسوس
 و ممنوع هیچ بنیانی اساسش استوار نگردد و باقی و برقرار
 نماند مگر بنیان الهی و هیچ امری در عالم امکان ترویجی
 ابدی و تعمیمی دائمی نیابد مگر آنکه مستمد از قوای روحانیه
 گردد و اساسش مبنی بر تعالیم امر الهی باشد لذا هر
 سطوت و سلطنتی رو بزوال است و هر شوکت و جلالی عنقریب
 محو و فراموش گردد ولی این عده معدوده احبباً که تابحال
 کلام و بیانشان از حوزه محدود و خویش خارج نگشته و بر
 افکار عمومی عالم مستولی نشده چون مستند بر تعالیمات
 روحانیه اند و مصدر اقدامات و خدماتشان فیوضات الهیه
 است در مستقبل اہام حتما و اکیدا روزی کوی سبقت را از

میدان تمام رجال عالم خواهند برد و سلطنتی اهدیسه
 الی ممر القرون والاعصار تشکیل و تأسیس خواهند کرد
 حال وقت تخم افشانی است و استحکام اساس متین الهی بماء
 حکمت باید بذرحبّ الهی که در اراضی قلوب کشته شده
 سقایت کرده و از عواصف شدیدة این ایام و بارهای مخالف
 نفس و هوی محافظه شود و اضحای فرماید و تأکید مینماید
 قوله الاعزّ الاعلی واما ما سئلت من الآیة الموجودة فی
 سفر دانیال طوبی لمن یری الف و ثلاثا و خمسة و ثلاثین
 هذا سنة شمسیه لیست بقمریه لان بذلك التاریخ ینقضی قرن
 من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم الله تتمکن فی الارض حق
 التمكن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها یومئذ یفرح
 المؤمنون این کلمات معدوده مبارکه که اوضح من الشمس
 است و مصرح و مؤکد فی الحقیقه اهل بهارا کافی است که
 شعله امید و اطمینان را در قلوبشان بفران آرد و آن روز فیروز
 را در انظار جلوه تام دهد روح جدیدی بنفوس بخشند
 وقوه کاملی در تهیه و تدارک این یوم مبارک بآن یاران بخشد
 حال وقت همت است و زمان استقامت و تمسک بحبل تعالیم
 الهی در جمیع شئون و احوال .

و در لوح جناب میرپوریان درباره تاریخ دانیال از قلم مطهر
ولی امر ذوالجلال نازل قوله الاحلی :

" مرقومه آن دوست معنوی مورخه ۲ شهرالجمال سنه ۱۰۳
بلحاظ مکرمات و مودت حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه فائز
..... راجع ببشارت ۱۳۳۵ که در رساله دانیال مذکور
وبلایا و رزایای عالمی در این سنین باقیمانده سؤال نموده
بودید و همچنین سؤال از انقضای يك قرن از طلوع شمس
حقیقت که حضرت مولی الوری ارواحنا لرمسه الاطهر فداه
راجع ببشارت مذکور دانیال در لوحی از الواح میفرمایند که
ابتدای طلوع آن قرن از چه سنه شروع میشود فرمودند بنویس
دوره بلایا و رزایا منتهی نگشته و میعاد ۱۳۳۵ راجع
بارتفاع امرالله و انتشار تعالیم الهیه است که بعد از انتهای
يك قرن از طلوع شمس حقیقت یعنی اظهار امر جمال قدم
در مدینه الله سنه ۱۲۷۹ تحقق پذیرد و بعداً ۱۳۳۵ سنه
هجرت حضرت رسول الله است .

بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" اذ یکم بروحی یا اولیاء الله و احبائه هر چند این عبد
آستان در این جوار مستجیر و از آن اماکن منوره دور و مهجور
ولی چه بسا اوقات که قلب و روان بیاد دوستان آن قطعه

نوراً مهتراً و بذكر و فكر محبوبان آن سامان مألوف و مشعوفم
 نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مهبط انوار است
 و طواف مسقط رأس مبارك جمال اقدس ابهی تشرف بآن خاک
 تابناك است و سیر و مرور بر آن اودیه و جبال و اتلال مبارکه
 آن خطه علیا استنشاق روایح قدس از آن دیار است و شرب
 ماء معین از نهر جاریه صافیة آن صفحات آن یاران که
 بچنین نعمتی فائز و در همچو مقاماتی ساکن و مقیمند باید
 هر دم در آن موطن مبارك جمال قدم از آن سرچشمه فیوضات
 استفاضه نمایند و پرتوی از این موهبت کبری بر ایران و ایرانیا^ن
 افکنند در حبّ و و داد و روحانیت و اشتعال فی الحقیقه
 سرور جهانیان گردند و در تقدیس و تنزیه و تجرد از متاع
 و شئون دنیا سرمشق عالمیان شوند محافل چنان مجلس
 و مکمل در حوالی آن مقامات مقدسه بیارایند که نفعات
 مشگبیزش مشام این مشتاقان را معطر و عنبرین نماید
 بنیان مشید رفیع مشرق الاذکار را کاملاً در قلب صفحات
 مازندران مرتفع سازند و صوت تهلیل و تکبیر در لیاالی و
 اسحار چنان مرتفع گردد که تموجات روحانیش باین شواطی
 مقدسه واصل گردد و عالمی را بطرب و اهتزاز آرد و بخدا
 واقدماتی در سبیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن
 خویش و عالم انسانی قیام نمایند که افکار کل متوجه بآن

نقطه مبارکه گردد و اشعه هدایت بر آن اقلیم بلکه تمام اقلیم عالم منتشر شود همچو یوم مبارکی محتوم الوقوع است و بشارات منزله در حق آن خطه مظاهره حکم بد از آن مرفوع پس جهد نمائیم و بتضرع و ابتهال از جمال قدم واسم اعظم مسئلت نمائیم که ما را بنفثات روح القدس روحی جدید بخشد و در آن انحاء و اکناف صعوث نماید و مقدر فرماید که باین تأسیسات موفق گردیم و بتمهیدات عمچه روز فیروزی مخصص و مؤید شویم هر چند در این ایام ظاهرا اسباب مفقود ولی آنچه مهم و الزم است تقویت ارکان امرالله در آن سامانست و از یاد شور و وله و روحانیت و انجذاب و الفت و اتحاد و تبلیغ و خدمت در بین احباء الله تا بتدریج آنجوهر مستور مکشوف شود و آن یوم موعود بمیان آید عنایات خاصه خفیه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء روحی لرمسهما الا طهر فداء شامل آن یاران بوده و حال بیش از پیش ید عنایتش معین و هادی آن نفوس مقربه درگاه الهی است پس بناید بشکرانه این الطاف در نهایت توکل و اعتماد مجددا بر هدایت نفوس از تمام طبقات چه اعلی و چه ادنی قیام کنیم و مترصد تائیدات متواصله اش گردیم این است سمت آن خاصان الهی و این است رویه مجاورین آن مقامات مقدسه امیدم چنانست که باین شیوه مرضیه مزین گردید

وهدایان عالم انسانی شوید .

بنده آستانش شوقی

حمد و سپاس قوه قاهره جمال اقدس ابهی و شکر و ستایش
 عنایات موفوره و توجهات کامله حضرت عبدالبهاء را که در آن
 سامان جم غفیری را بشاطی بحر ایقان و عرفان دالالت
 فرمود و ندای امر رحمن را گوشزد آن نفوس زکیه طیبه کرد
 جمعی را از مدعوین و مختارین در ظل لوایش محشور نمود
 و یغوز شهادت کبری و اکلیل جلیل جانفشانی فائز و مکمل
 فرمود بدماء مسفوکة شهداء شجره امرش را سقايت کرد
 و خدمات فائقه آن یاران باوفایش اساس بنیان متین را
 بنهاد در عبودیت آستان مقدسش آن یاران و یاورانش را
 سهیم و شریک خود دانست و عنایات لاتعدّ و لا تحصی در حق
 آن حبیبان مبذول داشت حال وقت آن است که در مقابل این
 الطاف و تعطفات و عزت و افتخار و حُؤ و تعلق قلبی که
 من دون استحقاق شامل حال این ضعیفا گشته هر یک با جرای
 نصایح و تعالیمش قیام نمائیم و آنچه را تمنای قلبی و رضای
 او بوده بتمام قوی در تحصیل و اجرای آن بکوشیم و آن خدمت
 امرالله است و عمل بموجب نصایح الهیه و تعالیم سماویه
 تألیف قلوب است و تهذیب اخلاق انقطاع از ماسوی الله

است و ترویج امور خیریه و مصالح عمومی عالم انسانسی
 هدم بنیان جنگ و قتالست و تأسیس بنیان مشید صلح عمومی
 ازاله تعصباتست و تعمیم علوم و معارف باید بهائیان
 طرا در تمام احیان این حکم الهیه و مبادی سامیه را در
 اعمال و کردار و رفتار و گفتار خویش چه جزئیات و چه کلیات
 هر دو اظهار و اثبات نمایند تا این امر عظیم افکار عالم را که
 حال در نهایت پریشانی و حیرانی خفیا متدرجا متوجه
 بقوای معنویه گشته جذب نموده بر آن بتمامها مستولی گردد
 و احبای الهی علل متزایده مزمنه عالم را باین دریاق اعظم
 شفائی سریع و کامل بخشند این چه نعمت و موهبتی است
 که در حق یاران مختارین ملکوت ابهائیش مبدول گشته و این
 چه تاج عزت و افتخاریست که بر سر آن نجات دهندگان
 این عالم ظلمانی نهاده حال وقت ستایش و نیایش است
 و طلب^۹ استمداد تائید و عون و صیانت جمال ابهی تا توفیق
 رفیق گردد و روح مکنونه امر الهی جلوه نموده بر قوای عالم
 طبیعت و سیاست بتمامها غلبه نماید بساط امر الله در شرق
 و غرب در انظار ممالک و شعوب گسترده شود و ندای جانفزای
 یابها^{۱۰} الابهی آشوب و ولوله مادیون و سیاسیون و اقتصاد یون
 را بنشانند و بفوزی حقیقی و سعادت سرمدی رسانند
 حال وقت همت است و زمان خدمت بوصایای مبارکه رجوع

نمائید و در اهمیت تبلیغ و تشجیع و تحریص احباً بر خدمت
 این امر عظیم در این ایام مظلومه ملاحظه و دقت فرمائید که
 چقدر مهم و لازم است و بر هر امری فائق و مقدم ولی حکمت
 را باید منظور داشت علی الخصوص این ایام که آن اقلیم
 پریشان و در هیجان است و احزاب مسلط و مکاید و مفسد
 قویه در میان احبا باید بحبل المتین تعالیم الهی متمسک
 گردند و بذیل مشورت تشبث نمایند و الا مشکلات تزیاید
 یابد و در امر تبلیغ و هدایت نفوس فتور و تأخیر حاصل شود
 و در لیالی و ایام در احوال مناجات بیاد آن خادمان
 جان نثار امر الهی بوده و هستم الطاف و تائیدات و عون
 و صیانتش را لا زال در حق آن برادران و خواهران روحانی
 ملتسم و طالبهم .

بنده آستانش شوقی

حواله

ثابتین بر عهد محکم الهی را در هر دو می مشامی معطر
 بنفحات رحمن خواهم و قیام و اقدام بدیع در این ایام
 آرزو نمایم هر چند امور در بعضی از نقاط در آن صفحات منقلب
 و پریشان گشت و یاران مظلوم و باره بچنگ اهل سوء و عدوان
 و مغرضین گمراه افتادند ولی ید غیبی دوستان را نصرت

میفرماید و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور مغلوب خواهد نمود ادعیه قلبیه مستمره برادران و خواهران آن مظلومان در قطعات اروپا و امریک و آسیا و افریک بساحت قدس آن مولای حنون رسیده مقبول و بجز اجابت مقرون خواهد گشت و این فئه ضعیفه را محافظه فرموده سلط بردشمنان و حسودان خواهد فرمود ثمرات این بلیات و همدسات در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه این پریشانی و ویرانی احباً بعد از این بر وجه یاران و دشمنان هر دو دکشوف شود احبا از صدمه و ابتلا در سبیل امرالله نباید دقیقه ای آزرده گردند و متأثر و متحسر شوند در لوح ابن زئب آن لسان عظمت که تسلی دهنده عالم است باین بیان ناطق . طوعاً لقاضاتی فی حکمه عجباً افتی بسفک دمی فی الحل والحرم .

براستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جانست و مقصود روان سم مهلك در سبیلش شهید است فائق و عذابش عذیبست لائق در لوح حضرت سلطان ذکر شده و نفسه الحق لا تجزع من البلیا فی سبيله و لا من الرزایا فی حبه قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الدسكرة الخضراء و ذبالة لمباحه الذی به اشرقت الارض و السماء این تذلیل ظاهره احباً الله در آن دیار باید سبب شود

که حرارت محبت الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و
 همت نفوس را بیش از پیش منور سازد این ظلم و ستم چون
 عاقبت ممد امر الله است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین
 نماید و بر تشکر و امتنان و خلوص و انجذابشان بیفزاید چه
 که این واقعه مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعد نموده
 بگل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونق بدیع بخشند
 و نار این عذاب نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس
 و ارواح عالم افکند حال وقت صبر و سکون است و هنگام
 تصدك بحبل المتین تعالیم الهی هر قدر یاران بیشتر توجه
 بمبادی اساسیه این امر نمایند و معانی و حکمتهای بالغه را
 از آن کلمات عالیات استنباط کنند و همت در اجرای آن نصایح
 مشفقانه فرمایند عنایت و حمایت الهی بیشتر شامل گردد و
 اشراق تائید قوی تر شود خطه تبلیغ بهتر معلوم گردد
 و شاهراه خدمت بامر الله و ترویج دین الله واضحتر و مکشوفتر
 شود الحمد لله آنچه لازمه ترقی و ارتقاع عالم باعلی درجه
 عزت و فلاح است من جمیع الوجوه از قلم اعلی و کله، میثاق —
 بابدعها نازل گشته بیاران اسباب را کاملاً عطا فرموده تا
 بهمت و استقامت و خلوص و جانفشانی در میدان خدمت قدم
 گذارند و تانفس اخیر بکوشند که این ندا جهانگیر گردد و این
 نور جهان افروز شود و بیاد آن یاران در جوار این سه بقعه

مبارکه در هر دمی مأنوس و مألوفم و در حق آن یاران بدعا
و مناجات مشغول و ورود بشارت روحبخش از آن دیار
منتظر و مترصد "

بنده آستانش شوقی

هو اللّٰه

روحی لمحبتکم الفداء یا اولیاء اللّٰه و احبّاءه هرچند
از مخابره و مراسله با آن برادران و خواهران عزیزتر از جان
و روانم مدت مدیدی ممنوع و محروم گشتم و عواطف مکنونه در
قلب را از محبت و تعلق و اشتیاق و امید نسبت بآن خادمان
عته مقدّسه ظاهر ابراز و اظهار نمودم ولی همواره بسیار
آن یاران حضرت عبدالبهاء که در عبودیت آستان بهاشریک
و سهیم این عبد نالایقند مألوف و مأنوس بودم و بتذکر و تفکر
در حال آن عزیزان مشغول پس از واقعه مؤلمه صعود مولای
حنون بملکوت ابهی چنان روابطی معنویه قلوب جمیعمان را
در خدمت و جانفشانی بامر اعظمش متحد و مرتبط فرموده
که بعد مسافات و مرور سنین و ایام و انقلابات جهان
و دسائس حسودان و تزیید مشاغل از یکدیگر منفصل ننماید
که سهل است مخابرات روحانیه مستمره را بهیچوجه حائل
و مانع نگردد این قوه ملکوتیه که ارواح و نفوس احبارا پیون

تن واحد و اعضا و جوارح يك، هميكل فرموده و هيچ يـردى
و هيچ امرى مشتت و پريشان نگرداند بلکه آلام و حوارث
زمان و هيجان و آشوب عالم بر الفت و يگانگى و وحدت
و استقامت اين حزب مظلوم بيفزايد صفوف مجنده اين جيش
مؤيد الهى را هيچ دسيسه و شوكتى خرق ننمايد و اين
جمع متوجه بافق اعلى را هيچ ظالم و جفائى و تعدى و ابتلاى
مشتت و متفرق نگرداند اساسش را يد قدرت الهى نهاده
و در ظلّ جناح عنايت و مكرمتش نشو و نما و محافظه گشته
فتوحاتش فتوحاتى روحانى است و وسائل و وسائل نيـل
مراش اسباب غيبى الهى تعليماتش من عند الله است
و قشون و سپاهش جنود تأييد ملاء اعلى پس چرا خموش و
ساکت نشينيم و اين عالم پرفتنه و آشوب را بحال خود گذاريم
و درد و آلام مزمنه اش را درمان ننمائيم اميد و حيد شعوب
و قبائل و طوائف متحنه عالم توجه بمد نيت الهيه است و يکتا
حافظ و حامى اين خلق بيچاره از هجوم و تسلط قسواى
مهلكه ماديه حصن حصين امر الهى است اگرچنين است
دقيقه اى فتور در ترويج امر بها ظلمى است عظيم و اهمال
و عدم اهتمام در انتشار اين نور مبین فتور و قصور پست شديد
ميفرمايد المدعوون کثيرون و المختارون قليلون پس مارا که
سروش الهى در اين ظهور اعظم بخوان موهبت کبر ايش دعوت

نموده چرا باید خود را از این نصیب هدایت من علی الارض محروم سازیم و از مختارین در ملکوتش محسوب نگردیم و در زمره مقربین محشور نشویم باید بتبلیغ در نهایت تمکین قیام نمود این است امری را که الیوم حضرت عبد البهاء از ملکوت جلالش بآن ناظر و از دوستانش منتظر در وصایای اخیره اش میفرماید " در این ایام اهمّ امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهمّ شمرد زیرا اسّ اساس است این عبد منّالوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردیدد دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران^{لهی} نیز چنین باید بفرمایند این است شرط وفا این است مقتضای عبودیت آستان بها " حال بقلبی امید وار منتظرم که آن یاران مصداق این کلمات مبارکه گردند و اسّ اساس را در عالم وجود مستحکم ساخته بنیان امر الهی را متدرجا بر آن بنیاد مرتفع نمایند و شرط وفا را مجری دارند و بمقام عبودیت صرفه بخته فائز گردند منتظر این بشارات روحبخش از آن دیار بوده و هستم ."

بنده آستانش شوقی

روحي لوفائكم الفداء في الحقيقه در این ایام مظلّمه کسه

جمال بیمثال محبوب و مولای مهربان از دیده عنصری متواری

گشته و دل مهجوران مشتاق را الیفاغم و اسف و حسرتی
شدید فرموده آن برادران و خواهران روحانی که هر یک
معین و ناصر و ظهیر این بنده ضعیفند بتمام قوی متوجهها
الیه متوکلا علیه منقطعا عن دونه باجرای تمنا و آرزوی حضرت
عبدالبهاء قیام فرمودند و شرط وفا را باتمها و اکلمها
مجری داشتند از اهل وفا در صحیفه حمرا محسوبگشتند
و در زمره مقربین داخل شدند اجرشان عند الله جزیل است
و مقامشان در ملکوت ابهی عظیم و رفیع و امیدم ^{از} درگاه خداوند
عالمیان چنان است که روز بروز بلکه آنها فنا بر ثبات و روحا
و همّت و خلوص بیفزایند شعله هدایت کبری را در آن خطه
برافروزند و عالم تشنه لب را بسلسبیل عرفان الهی برسانند
هریک آیت هدی گردند و هادی جی غفیر از غافلان و محرومان
عالم شوند بحکمت کبری مجامع تبلیغ بیارایند و علم مبیین
یابهاء الابهی را در قطب آن اقلیم برافرازند قلوب متنفره
از یکدیگر را التیام و ارتباطی حقیقی دهند و احزاب و ملل
متباغضه را بصلح و آشتی دائی دعوت نمایند باعمال
نفوس را تقلیب نمایند و بسلوک و رفتار نام بهائی را عزیز
و وصیت افر را مشتهر سازند از شر ظلمات تعصبات عالم
مادی را رهائی دهند و بتعمیم و تحکیم اساس تربیست
خدمت بعالم انسانی نمایند مختصر تعالیم حضرت بهاء الله

يك يك تأسيس کنند و در حیات خویش مشخص نمایند این چه امر مهمّی است و چه وظیفه صعب مشکلی تقالید و تعصّبات در نفوس مخمر و اغراض و امیال شخصی در کل نفوس موجود جز قوه قاهره تعالیم بها این تعصّبات را محسوس ننماید و این مفسد قویه که جسم امکان را مسموم و علیحد نموده اصلاح ننماید و بشعله محبت الله و حرارت خلوص و انجذاب تبدیل ندهد وقت خدمت یاران است و ایام ایام خدمت و جانفشانی و سعی و جهد در نجات و استخلاص عالم انسانی باید با افراد بشر پرداخت و بتربیت نفوس ابتدا و قیام کرد تا ملل عالم که مرکب از افرادند و دول که از اجزای ملت محسوب هر دو و تقلیب گردند و هدایت شوند و باین واسطه وحدت عالم انسانی تأسیس شود و نجاج و فلاحش تحقق پذیرد الیوم نقطه نظر احبا باید تربیت و تشقیق افکار و تحسین اخلاق نفوس باشد تا بتدریج هیئت اجتماعیه تغییر پذیرد و خیمه یکرنگ عالم انسانی مرتفع شود باین در این ایام بامور اساسیه پرداخت و ارکان این بنیان مشید را در نفوس افراد مستحکم ساخت چون افراد راسخ و کامل و ثابت گردند امر ترویج تحقق یابد و انتشار سریع امر الله ممکن گردد تربیت اطفال بحسب تعالیم مدونه در کتب الهیه بینهایت مهم و لازم است در آن اهمال ننمائید چه که

اس اساس است علوم مادیه عالیہ و اطلاعات روحانیہ و خوبی
 و تعمق در الواح و آثار مبارکہ و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ
 ادیان و تحصیل کتب مقدسہ از انجیل و توراہ و قرآن کل از
 مبادی اساسیہ تربیت اطفال و جوانانست و چون بایں
 تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را بافعال لایقہ و
 اعمال طیبه مزین دارند و اثبات نمایند تا از مادون ممتاز
 گردند و سرمشق سائرین شوند و چون چنین شود فوج فوج
 نفوس اقبال نمایند و هدایت گردند از آستان مقدس دعا
 و استدعایم کہ اطفال و جوانان و سائر احبا از رجال
 و نساء کلا بایفای وظائف مقدسہ خویش قیام نمایند و در
 اقدامات و مساعی خود موید و موفق شوند .

بندہ آستانش شوقی

ای برادران و خواهران روحانی این عبد فانی در صباح
 و مساء از ملکوت جلال در اینجوار عون و صون و حمایت
 الهیہ را از برای آن برادران و خواهران روحانی طلبم
 و مزید موفقیت آن دوستان را از درگاه حضرت عبد البهاء
 جوہم کہ ای خدای مهربان نہاء عظیمت را با سبایی غیبی در
 عالم امکان نرسرتی سریع بخش و یاران ایران را در این سبیل
 بخد ماتمی فائق موفق کن سراپردہ وحدت عالم انسانی را

در قطب آفاق بموجب تعالیم ربّانیه ات مرتفع نما و پیاران
آن سامان را در سایه آن خیمه بگردنگ در انظار عالم جلوه ده
این حزب متشتت را در ظلّ لواء میثاقت ناصرا مطلقاً را
جمع کن و همیکه را عزیز و وجهان فرما آلا و نعم مادی و
معنوی را برخادمان جانفشان امرت مبذول کن و ایمن
بندگان با وفایت را در ملکوت خویش بشوایی جزیل فائز و نائل
فرما الحمد لله که الیوم بشائر اعلاء امر الله در سرروزو
ظهور است و علائم ترویج کلمة الله در هر نقطه و دیاری واضح
و مشهود در دین الهی در قطعات خمسہ عالم علی الخصوص
در اکناف و صفحات بمیدہ قطعہ استرالیا و شرق اقصی
نفوس زکیه ای دسته دسته داخل میگرددند و عنقریب فوج
فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم باین نور مبین
اقبال نمایند مصداق بشارات قلم اعلی در شرف ظهور
و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقات متولیه حضرت
اعلی و جمال اقدس ابھی و مولای عزیز حضرت عبد البهاء
متدرجا با کملها و احسنها واضح و مکشوف میگردد حال که
امر مبارک جمال قدم رو بتقدّم و اتساع است و صیت آوازه
امر الله بسمع جهانیان رسیده احبای الهی باید پیش از
پیش علی الخصوص در آن خطه منقلبه مراعات حکمت را نمایند
و پرده دری نکنند از حدّ اعتدال خارج نگردند و وظائف

مقدسه خود را بانجام رسانیده بصبر و سکون منتظر شمول
تائیدات الهیه گردند و مترصد حصول اسباب فوز و فلاح .
تعجیل ننمایند و افکار را در اضطراب و هیجان نیندازند
یدغیبی بتمهید اسباب و رفع مشکلات و تقلیب نفوس مشغول
است یاران باید در حسن کردار و حسن رفتار کوشند و گفتار
و کردار را در جمیع شئون چه جزئی و چه کلی تطبیق نمایند
اگرچنان شود نفوس منجذب شوند و غافلان آگاه گردند
والآ امر الهی از تأثیر و نفوذ باز ماند و روح الهی از جریان
و سریان در عروق و شریان عالم امکان ممنوع گردد حیث
است اگر این نارمحببت الله که در قلوب الیوم روشن گشته
از شعله و فوران ممنوع شود و از فتور و خمودت یاران تسکین
و تخفیف یابد المات تعصبات نور دین حقیقی را از وجه
عالم مستور نموده وقت آن است که منادیان این ظهور الهی
باعمال و اخلاقتشان باین نارموقده در قلوب شعله بارکان
عالم زنند و لزومیت دین را بدلائلی قوی و فعلی بمفسدین
و مادیون عالم اثبات نمایند هر چند آن میدان وسیع است
ولی جولان مشکل چه که اعمال طایفه ظاهره مرضیه شرط است
ومن دون آن خسران مهین باید توسل بذیل کبریا کرد
و شب و روز استدعا و التجا نمود که در این سبیل ید عنایتش
مدد بخشد و توفیقش رفیق گردد تا باعمال لایقه شایسته

این مقام فائز شویم و خدمتی شایان بعتبه مقدسه اش
 نمائیم این است دعای این عید در آستان الهی و چون
 بادعیه خالصه آن یاران منضم گردد امید چنان است که
 مقبول آن درگاه شود و بجز اجابت مقرون گردد منتظر
 اخبار روحبخش یاران از آن سامانم و بذکر و فکر و شنایشان
 دائما مشغول و مأنوس .

بنده آستانش شوقی

مشتعلان بنار موقده الهیه و ناشرین تعالیم ربّانیه را در
 آن صفحات پیشرفتی عظیم و نجاح و فلاحی باهر درمیدان
 امرالله از درگاه الهیه دائما مسئلت مینمائیم که ای ربّ عز
 قلوب محترقه حبیبانت را بمرورنسائم امید و عنایتت شاد
 و مهتّز فرما و بانوار تعالیم آسمانیت آن خطّه مبارکه را
 روشن کن خیمه امرت را در قطب آن اقلیم جلیل مرتفع نما
 و یاران آشفته رویت را بقوتی ملکوتی مبعوث کن موانع و
 مشاکل را باسبابی غیبیه زائل نما و ندای اسم اعظمت را
 بگوش هر قریب و بعید و وضع و شریف برسان تا بادیه
 خراسان که در بد و ظهور اعلام و رایات نصرت امرت را مرتفع
 ساخته دوباره باهتزاز آید و از اخلاف رجالی چون
 اسلاف مبعوث گردند که صیت آن قطعه نورا را در شرق

وغرب عالم مشتھر سازند این است دعای قلبی صمیمی
 مستمری این عبد از درگاه الهی و امیدم چنان است که
 در این لیلہ ہجران و ایام حرمان احباً و اماً الرّحمن چنان
 قیامی نمایند کہ عالم را باہتزاز آرند و روح بجسم مردہ عالم
 دمند هیچ شبہہ ای نبودہ اگر رحمت موفور در این سبیل
 مبذول گردد قوہ قاعرہ روح الهی شامل حال آن مقربان
 وعزیزان حضرت عبد البہاء گردد و امراللہ چنان شعلہ ای زند
 کہ من فی الوجود را مدھوش و حیران نماید باید در این
 اوقات ہر یک بواجبات و وظایف خویش در جزئیات و کلیات
 کمابغی و یلیق قیام نمائیم و بحکمت مذکورہ در کتاب درار^{ضی}
 طیبہ قلوب تخم افشانی نمائیم و توکل و اعتماد باو نمودہ
 منتظر شمول الطاف گردیم و مترصد تحقق بشارت الہیہ
 شویم و ملول و پژمردہ نگردیم آنچه را مأموریم بجان و دل
 انجام دہیم و آنچه در سبیل الہی واقع گردد خیر محض
 و مروج مصالح امریہ و از تقدیرات الہیہ و حکمتہای بالفہ
 احدیہ شمریم در الواح و آثار تمعن و تعمق نمودہ بکوشیم
 ہر یک از آن نہایح مشفقانہ را عامل شویم و ہزینت کرد ارورفتار
 در بین خلق مزین و ممتاز گردیم از درگاہ محبوب الہی
 و مقام مقدس حضرت اعلیٰ و مرقد مطہر حضرت عبد البہاء
 روحی لاحقاً ہم الفداء در حق ہر یک از آن برادران و خواہران^ن

نورانی خود قلبی طافح از محبت الهی و قدمی ثابت در امر
رحمانی و زبانی ناطق بآیات و اسرار ربّانی خواهم و صون
و حمایتش را استدعا کنم تا بمنتهی آمال فائز گردید و در دو
عالم مفتخر و معزز و منصور شوید .

بنده آستانش شوقی

بلبلان گلزار این بوستان الهی را ترنماتی بدیعه بر
شاخسار ایمان و عرفان و ایقان از عتبه مقدسه همواره سائل
و مستدعیم و از آن شیفتگان جمال ابهی در ذکر و ثنای آن
روی محبوب و جلوه مستور تفنیات و نعوت و اوصاف منیعه
متمنی و منتظر هر چند عواصف شدید جهان و جهانها را
سراسر احاطه نموده و غبار جنگ و ستیز آسمان عالم را تیره
و تاریک کرده و روایح کدره ضغینه و بغضاء مشام بنی نوع
بشر را از استشمام نفعات قدس که از مَهَبِ عنایت جمّال
ابهی در این عصر موعود در هبوب و مرور است ممنوع ساخته
ولی تا عالم امکان در نهران مصائب و بلایا نسوزد و دل و ملل
مشمئز از مکاید سیاسیة و مقاصد سیئه خفیه شان نگردد
و افراد بشر از هبوب این باد های مسموم مخالف هوی و هوس
پشیمان و مأیوس نشوند انوار ابدی از مشرق اینظهور کسی
الهی پرتوی بر عالم نیفکند و لب تشنگان عالمیان بکوش عرفان

وایمان واصل نگردند تا خسته و آزرده نگردند و متنفر از حال پروبال خویش نشوند و سرگشته و سرگردان آرزوی ساحل نجات را ننمایند علویّت این تعالیم و سموّ این کلمات مقدسه چهره نگشاید و قدر و منزلتش در انظار معلوم نشود شبهه ای نیست که آنروز مبارک، خواهد رسید که نفس مخربین آئین و دین الهی و مروجین عقائد سخیفه مادیون عالم خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را بدست خویش خاموش کرده بنیان بی دینی مفرطشان را از اساس براندازند و بجان و ذل بقوائی اشدّ و اکمل از قبل بتلافی مافات قیام نموده خود را منضم به پیروان این امر مبارک، نمایند و مروج تعالیم حضرت بهاء الله گردند... یدغیبی الهی در تقلیب نفوس و ارواح مشغولست و شبهه ای نیست که اگر یاران ثابت و راسخ مانند و در نهایت تمکین و حکمت بوظائف خود قیام نمایند اموری عجیبه از پس پرده حکمت الهی مشهود و عیان گردد و جنود تائید بقوائی ملکوتی و باسباب غیر منتظره و در نقاطی مخصوصه نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم روحانیان را در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود ایّام ایّام خدمت و جانفشانیست تا از این نعمت کبری و تاج موهبت عظمی در این یوم مبارک، ممنوع و محروم نشویم

بنده آستانش شوقی

هو الله

یا احبباً الله و اودائه الحمد لله که نامه آن برادران و خواهران روحانی که حکایت از روحانیت و اقدامات مجدّانه احببای الهی مینمود بارض اقدس واصل گردید و از قرائتش فرح و سرور کلی حاصل امید چنانست که همواره مشام آن یاران باهمت و وفا از بشارات الهیه و عبور و مرور زائرین و مسافرین ارض مقصود و ملاقات و مؤانست مبلغین و منادیان امرالله که از آن دیار گذر مینمایند معطر و معنبر باشد و ارواح و قلوبشان شاد و مستبشر در این جوار از آستان ملک مختار آن جمع را ترقیات معنویه و تقدم و پیشرفتی سریع درمیدان وسیع امرالله خواهیم تا انشاء الله بهمت اعضای محترمه محفل روحانسی و معاونت و مساعدت قلبی یاران اساس محکم و متین نهاده بنیان رفیع مشرق الاذکار را در مستقبل ایام در نهایت جلوه و شکوه مرتفع سازید حال وقت تأسیس است و ترویج تعالیم الهیه حبل مودت و ائتلاف و یگانگی و اتحاد را باید در بین یاران روز بروز بیشتر تقویت داد و بر تعاون و تعاضد افزود . از جهتی افراد احببای باید کمال انقیاد و اعتماد را با اعضای محفل روحانی خویش داشته باشند و مساعدت و تأیید آن محفل را نمایند و از جهتی اعضای محفل باید شب و روز فکری

جز ترویج مصالح عمومی امریه و تعزیز امرالله و حفظ وصی^نتش
 از شرّ اعدا نداشته باشند امیال و مصالح شخصیّه را
 فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمع احباب دانند و
 آنچه را مصلحت امرالله و خیرعموم است مجری دارند
 امید چنان است که یاران انزلی این اساس الهی را محکم
 و استوار نموده بخدماتی فائق در سبیل امرالله موفق گردند
 این است دعای این عبد و تمنایش از درگاه حضرت عبدالبهاء
 از برای آن یاران جان نثار.

بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" فی الحقیقه عالم بشر الیوم در قطعات خصه ارض چنان
 ببلائی ناگهانی معذب که شبه آن دیده عالم ندیده
 و هر صفحه روزگار نگاشته نگشته دول و ملل و قبائل چه قوی
 چه ضعیف چه متمدن و غیر متمدن چه قدیم و چه جدید
 چه منصور و چه مغلوب چه حاکم و چه محکوم چه سفید
 و چه سیاه چه متدین و چه غافل کلّ از هر جنس و رتبه
 و دیاری مورد قهر و سخط الهی و کلّ ببلائی گوناگون گرفتار
 در سبیل هلاک سالکند و از صراط نجات غافل اخیراً صدق
 قد اخذت الزلازل کلّ الجهات عیناً واضحاً مشهوراً ظاهر
 گشته و در نقاط و مراکز متفرقه در تمام ارض علی الخصوص در عا^{صمه}

وینادر مهمه متقدمترین بلاد در اقصیٰ معالک، شرق چنان
شقاوتی ظاهر نموده و علت خسارت و زیان و تعاست
و وبالی گشته که اسباب دهشت و جزع و فزع اقالیم مجاوره
بلکه تمام عالم شده دول قاهره متقدمه عالم بمضی
رو بتشتت و تجزی و اضمحلال و برخی در کمال غرور مشغول
تهیه اسباب و لوازم انتقام و اکمال آلات و ادوات قتالند
تجارت و صناعت در کل اقالیم متوقف و فقر و احتیاج و عسل و
امراض با تمها و اکملها دچار اعزه نفوس و هزاران ازبندگان
بی گناه کشته نائره فتنه و فساد و ضفینه و بغضاء در قلوب
و صدور دول و افراد مشتعل و شعله جهان سوزش یوما فیوما
در آزدیاد اکتشافات و اختراعات حدیثه گل بسبب این
روح فاسد که در جسم امکان نباض است ممد و مساعد و ظهیر
روساء و جنگجویان عالم و مخربین بنیان عالم انسانی گشته
حکومات در دام مکائد و دسائس عتیقه یکدیگر گرفتار و روسا و
اولیای امور بیش از پیش در هدم بنیان تمدن ساعی و جاهد
قوله تبارک و تعالی " نیر عدل ستور و آفتاب انصاف خلف
سحاب عزت و شوکت دین در انظار افراد و دول که از قبل
معروف و مشهور بتدین و تمسک بودند الیوم سقوط و هبوطی
عجیب یافته و مورد لطمات شدید گشته عالم طهیمت باشد
قوی الیوم بر خلق بیچاره مستولی غفلت از حق و خود پرستی

حرص و طمع هوی و هوس جور و جفا تقلید و تصنع و حریت
 مفرطه در کمال شدت در نفوس از وضع و شریف استحکام
 یافته و غالب و حاکم شده عالم کون تشنه و حیران نفوس کور
 و خسته و پیریشان سرگردان و هراسان در آشوب و انقلابی
 عظیم افتاده و بعد از این الیم معذب در این قرن اتهم
 و در اعظم دست فعالیت و ید مساعدت برگزیدگان جمال
 قدم و فدائیان اسم اعظم روحی لرزه الاطهر فدا لازم و واجب
 تا بتدریج این ماهی تشنه لب بساحل نجات رسد و در
 دریای فیض و سعادت و صلح و سلام الی الابد غوص و خوض
 نماید . حال در این همه عظمی صوت خفیف الهی که از
 خنجر این حزب مظلوم الیوم متصاعد است وقتی گوشزد جهان
 و جهانیان گردد که بهائیان عالم طرا در شرق و غرب متحد
 متفقا قدم را ثابت نمایند و بجدیت و اهتمام و حرارت و انقطاع
 اقتدا و تأسی بآن مولای وحید حضرت عبدالبها* نموده در
 سبیل تبلیغ مداومت کنند و استقامت نمایند حقائق بدیعه
 امراللمرا* کاملا تحصیل نموده بابدع بیان بسط و شرح دهند
 و تبلیغ نمایند و در نهایت تجرد و اصطبار و سکون منتظر
 و مترصد نزول ملائکه تائید از ساحات کبریا گردند چه که وعود
 الهیه عظیم است و صریح .

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

” ترقی و عمران و نجات و استخلاص آن اقلیم منوط و مشروط بتممیم و اجرای تعالیم اساسیه امرالله است که محسن اخلاق و مروج تربیت و مربی نفوس است نه اتخاذ وسائل مادیه سیاسیه و تمهیدات و اجراءات غیرمتینده اقتصادیه و انشاء احکام و قوانین نظمیہ یاران را چه مدخلیتی دراین امور مشوشه و اسباب خارجه ولی باید ملاحظه نمود و درنهایت همت کوشید تا زمامداران و اولیای امور تکذری حاصل نمایند و گمان نکنند که بهائیان تملق بوطن خویش ندارند تا اسباب فساد و غلغله و آشوب فراهم نگردد باینکه در نهایت حکمت و ملاحظه و بردباری و روح و ریحان و محبت خالصه حقیقی بانفوس مدارا نمود و کل را از وضع و شریف برمبادی اولیه حقیقی بهائیان اطلاع داد و آن خدمت بنوع بشر و تربیت عالم انسانی و ترقی مادی و معنوی ایران و تعزیز ایرانیان است .“

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

” راجع بشمایل مقدس مبارک جمال ابهی روحی لرمسه الا طهر فداء احب و اولی آنکه هر نفسی دارای چنین عکس مبارکی باشد بواسطه محفل روحانی مرکزی طهران آنرا عجالتاً بارض اقدس ارسال دارد تا تکلیف معلوم گردد و اگرچنانچه

نزد خود حفظ نماید باید بهیچوجه من الوجوه نسخه از روی آن برنداشته نسخه اصلی را ضبط نمایند و مکتوم دارند ولی ارسالش بملاحظه و دقت تام بارجی مقصود احسن و اولس^۱ و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" اگر فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شویم و بنوع بشر و وطن خویش خدمت نمائیم عاقبت حقیقت معلوم و مکشوف گردد و خود آن نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند معذک، مگذارید گمان کنند که بهائیان تعلق بوطن خویش ندارند بلکه برآستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران و تعزیز ایرانیان بوسائلی حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد بلکه بفرموده حضرت عبدالبهاء (دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بسیط زمین محترمتین حکومت خواهد گشت و ایران معمورترین بقاع عالم خواهد شد) برادران و خواهران روحانی عالم بشر منتظر است و قلب حضرت عبدالبهاء در ملکوت ابهی متمنی و شائق که بهائیان تعالیم حضرت بهاء الله را از حیث قول بحیث عمل رسانند این چه فرصت مبارکی است باید اقدام نمود و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد ایام گوشه نشینی و سکوت و خموشی گذشته باید از زاویه خمول در آئیم

و در میدان وسیع قدم گذاریم و مباشرت بعمل نمائیم مقصود
 این نیست که حکمت را فراموش نمائیم و پرده دری نمائیم
 و از حدّ اعتدال خارج گردیم و بمخالفت اصول و قوانین
 و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنین
 نمایند بلکه مقصود این است که باعمال و افعال تبلیغ امر
 حضرت بهاء الله نمائیم تبلیغ باعمال حکمت قبول ننمایند
 و تقیید و تحدیدی نداند کل از وضع و شریف و قدیم وجدید
 و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته
 و دارند پس عذری از برای احدی نمانده هر نفسی که خود
 را بشیم و حلل تقدیس و تقوی و اخلاق مزین ندارد او بهائی
 حقیقی نه ولو اینکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف و اگر
 نفس امارتی و جاهل و از تبلیغ بنطق و بیان قاصر و باعمال
 و سلوک و رفتارش علت انتباه و تذکر و اقبال یک نفس گردد
 البته مرجح و محترمتر و عزیزتر و بهتر از شخصی است که
 سالهای سال به تبشیر و تبلیغ لفظی پرداخته و شهرت و
 اهمیت یافته ولی مشرب و اخلاقی مباین و مخالف کلام و قول
 او حسنات آن نفس عاقبت قلوب نفوسی را بنور ایمان کاملاً
 دائماً منور خواهد ساخت ولی سیئات این شخص بالاخره
 سبب شود که تمام مواعظش فراموش گردد بلکه بالعکس نتیجه
 بخشد و توجه و ایمان مبدل بیأس و سستی و بی دینسی شود.

میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبد البهاء در این است که بهائیان در جمیع امور حتی در جزئیات و معاملات یومیه و روابط افراد بایکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند میفرماید بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا نمائید مظهر محویت گردید و فنای محض شوید مهر و وفا و شفقت و محبت نصایح پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل بها بقد اکار^ی و جانفشانی مأمور عدالت محبوب و مطلوب بوده و هستست ولی مؤمنین و مؤمنات در این عصر نورانی باین امر مأمور ضع ما ینفعک و خذ ما ینتفع به العباد لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه و کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای الهی بچه حدی مأمور بپرهیزکاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی الله و تجرد از شئون دنیا و اخلاق و صفات الهیه هستند باید بهر نحوی که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نخشد باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که راعه منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بلکه

ممتنع و محال " انتهى

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" و اما آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیه احبّاست همانا تقویت اساس محافل مقدس روحانیست در تمام نقاط چه که براین اساس محکم متین در مستقبل ایام بیت عدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم براین اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدسه الهیه و حکم و معانی کلیه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاء الله و دیعه گذاشته بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نمایند پس باید کوشید و همت نمود که تمهیدات لازمه میسر شود و اولین اسباب و اهمّ وسائل همانا تقویت اساس محافل روحانی بوده امید و طید چنان است که چون در یوم اول عید سعید رضوان انتخابات محافل روحانی در تمام نقاط در شرق و غرب در نهایت روحانیت و متانت و جلال و کمال تجدید گردد و احبّبا من دون استعفا بدل و جان متحدا اقدام نمایند نه نفر اعضای منتخبه در هر نقطه ای قبل از مباشرت بانجام وظائف مقدسه خویش رجوع بکلمات الهیه نمایند و در زبیر والواح مقدسه تفحص و تفرس نمایند و لوازم اصحاب شور و واجبات امنای الهی و وظائف اعضای بیوت عدل الهی را

بنهایت دقت و توجه و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاع
 تام حاصل نمایند و هر دم آن اوامر قطعیه و نصایح مشفقانه
 را بیاد آرند و بکوشند تا هر یک را کاملاً مجری نمایند
 از جمله آنکه باید خود را خادم امین حقیقی احبباً اللہ
 شمرد و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امرالله
 نمایند نه ناظر باشخاص و متمسک بمقاصد و مآرب شخصی
 گردند باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه ای در
 نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء
 و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام
 رأی اکثریت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت
 ورنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری
 از صواب باشد چه که این است حکم صریح محکم الهی
 چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز و ایضاً
 باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و عزت امرالله و
 ترویج دین الله شب و روز بکوشند اگر چنانچه از جهت
 راحه ای بوزد و آثار اغبرار و علامات اولیه مشکلی معلوم
 و ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و درسد
 این باب و جلوگیری از هر فساد و رفع و دفع آن بتعام قوی
 بکوشند و مگذارند که ضرر و وهنی بر امرالله وارد گردد
 ایضا باید در تأسیس و ابقا و توسعه صندوق خیریه کوشید

تأسیس آن در هر نقطه ای لازم و باید یاران از اعضا^ء
 و غیر اعضا^ء بقدر استطاعت خویش طوعاً نه کرها^ء اعانه باین
 صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم امین صندوق
 محفل کنند تا بصوابدید اعضای محفل روحانی در امور
 خیریه و ترویج امرالله صرف گردد. معاونت اغیار از محتاجین
 و مساکین و ایتام و ارامل و عجزه و فقرا بسیار لازم و واجب
 چه که باین واسطه حقیقت اعظم تعالیم امرالهی که آن خدمت
 بعالم انسانیت اثبات شود و ظاهر گردد.

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" امر تربیت از بنین و بنات این ایام از امور سیاسی^ه
 لازمه محسوب و این از وظائف اعضای محافل روحانیست که
 بمعاونت یاران در تأسیس مدارس محض تربیت بنین و بنات
 در امور روحانیه و تعالیم اصول تبلیغ و تلاوت آیات و بینات
 و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و تحصیلات
 السن و لغات بکل قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائیس
 چنان صیتش مشتهر گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس
 بهائیان تعالیم الهیه و علوم ماده را بیاموزند و باینواسطه
 اسباب ترویج امرالله را فراهم آرند امر ترقی نساء و تشویق
 حضرات اماء الرحمن در تحصیلات مادی و معنوی و خدمت
 بامرالله و تعاون و تعاضد شان با حضرات رجال در تحکیم

وتقدّم امرالله در این دور اعظم عموماً و در این اوقات
 خصوصاً از امور اساسیّه محسوب ملاحظه فرمایند که در لوحی
 از الواح حضرت عبدالبهاء بافتخار امه از امامه رحمن
 چه میفرمایند :

ای ورقه طیبه همای اوج عزت قدیمه بر سر امامه الرحمن
 سایه افکنده و آفتاب افق توحید بر وجوه موقنات پرتو
 انداخته ربّات حجال ابطال میدان کمال گردید و
 پرده نشینان خلوتگاه عفت پرده غفلت دریده و بسرمنزل
 هدایت رسیده و بانوار موهبت درخشیده و شهد عنایت
 چشیده و در سایه ربّ احدیت آرمیده خوشابحال ایشان
 و از واجبات اولیه محافل روحانی تهیه و اجرای وسائل
 فعاله از برای ترقی امر نسوان است خوب است هر محفل
 روحانی لجنه مخصوصی تشکیل دهد و اعضای آن لجنه
 شب و روز در تشویق و تحریص و تمیز و تکریم حضرات امامه
 الرحمن و تعلیم بنات و اکمال و توسعه محافل و مجالس
 نساء و معاونت آنان با رجال در خدمات امریه و تحکیم
 اساس محافل روحانی دایماً اوقات و افکار را احصر نمایند
 و این عبد امیدوار است که در ایام رضوان چون انتخابات
 محافل روحانی تجدید گردد حضرات نساء که بر مجاری امور
 مطلقند در انتخاب اعضا شریک رجال گردند و آنانکه

هنوز کمابنفی و یلیق اطلاعی کافی حاصل ننموده بتمام قوی بکوشند تا کسب استعداد و اطلاع نموده بمرور ایام چون امر حجاب بتدریج و بحسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود نسا و رجال هر دو در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهیم و معاون یکدیگر گردند همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اما الرحمن در انجمن یاران ظهور و سروری عجیب نمایند حال وقت تهیه اسبابست و ایام ترقی نساء در کمالات صوری و معنوی مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلیٰ ثبت شده و از کلمه میثاق نازل گشته حوادث زمان و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض بنحوی غیر مستقیم و مسائل مکنونه نمیبیه ای را متدرجا محض اجرای نصوص الهیه چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم وقت اطمینان است و یوم یوم حمّت و جانفشانی باید باعمال پسندیده اوامر الهیه را اجرا نمائیم و توکل بحق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد.

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" و از جمله علائم نصرت و غلبه سریع امر الله خطا بهای متابعه مؤثره متعالیه آن ملکه نیک اختر است که اوصاف و نعمت‌ش از قبل در نامه های اینمید و متحد المآلهای محافل روحانیه مشروحا مبسوطا مذکور و مشبوت گشته ملاحظه نمائید

و در مضمون سه اعلان مهیجش تدقیق و تفرّس کنید و با
 یکدیگر مقابله و موازنه نمائید تا معلوم و واضح گردد که
 بچه اسلوبی بدیع و شور و شعفی شدید و جراتی عجیب
 و بیانی بلیغ و ملیح آن ملکه زمان حقیقت اصلیه که در کنه
 شریعت جدیده سماویه و ظهور کلیه الهیه مندج و مکنون
 است متدرجا بر ابصار مکشوف ساخته و تفهیم و تلفیق نموده
 و اثبات فرموده در اعلان اول خطا بش بجمهور ناس از تمام
 طبقاتست و در آن حضرت بهاء الله را ربّی و معلّم عظیم
 عالم انسانی و مؤسس الفت بین ملل عالم و مروج حسن تفاهم
 بین نوع بشر دانسته و در خاتمه آن عموم را بابدع الفاظ
 وارّق عبارات و الطف اشارات تشویق و تحریص بر تحقیق و
 تعمق در این تعالیم نموده که ایها الناس اگر نام بهاء الله
 یا عبد البهاء بسمع شما رسد از آثارشان غفلت منمائید
 و رو بر مگردانید تا کلمات عالیات صلح پرور محبت انگیزشان
 در دل و جان خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای
 دهید و در اعلان دیگر بنحوی اخّص توجهش بدانشمندان
 ارض از حکما و فضلا و فلاسفه و اصحاب علوم و فنون است
 و در ضمن استشهاد و استدلال از نصّ کلمات مرکز عهد و میثاق
 در تبیین و اثبات مبداء و مقصد اصلی خلقت و وجود
 و کیفیت و بقای روح و مقام و منزلت انسان مینماید تا ارباب

علم و کمال از الهیون و مادیون در گل اقطار از عان نمایند
و یقین کنند که در این مطالب و موضوع که اعلیٰ و اشرف مطالب
و مسائل است بیانات مقننه منیعہ جلیله ای از حضرت عبد البهاء
موجود و محفوظ. که اولی الالباب را فصل الخطابست و میزبان
کامل و حجت قاطعه نزد اهل شک و ارتیاب و خود در ختام
موید اللقول باین شهادت احلی ناطق که " این است
توضیحات حضرت عبد البهاء و این اعظم و اتم بیانست
مقنن که مثل و مانند آنرا تاکنون مشاهده ننموده ام " و اما
در اعلان ثالث رو باهل یقین و اعتقاد نموده و پیروان مظاهر
ظهور مقدسه قبل را مخاطب ساخته و آنچه در هویت قلب
مکنون و مخزون بوده بر ملافاش نموده و عقیده باطنی خویش را
جهرا و علانیه ابراز و اظهار داشته و بر حقیقت ظهور حضرت
بهاء الله روحی لسلطنته الفداء علی روس الاشهاد اقرار و
اعتراف کرده که ای پیروان ادیان الهیه و شرایع سابقه
ذات کبریا مقدس از عرفان مخلوقاتست و مافوق ادراک بشر
حقیقتی است مجرد کیفیتی است مافوق تصور و عقول و ادراکات
بشر منبع نشاط است و مبداء کمالات نامتناهیه مصدر
سطوت و اقتدار است و سرچشمه خب و ارتقا آن ندائی است
که در کینونتمان خیر را از شر تمیز دهد ولی اکثرمان از آن
غافلیم و بسوء تفاهمات گرفتار لذا آن قوه کلیه که اصل

كل الاشياء اصفيا^۱ خویش را برانگیخت تا كلمة الله
 را در بین نفوس انسانی تبیین نمایند لذا انبیارا مبصوث
 فرمود اینست که حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت
 بهاء الله کشف نقاب نمودند و ندای الهی را در قالب
 عنصری مجسم فرمودند تا کل بتقرّب الهی فائز گردیم
 و بآذان ترابی آن ندارا اجابت نمائیم و پی بحقیقتش بریم
 ملاحظه نمائید که این برگزیده مالک الملوك باقرار و اعتراف
 حقیقت امر جمال موعود و استقلال شرح مبین و سر مشهور
 اکتفانمود بلکه بواسطه مطالعه و تدبّر و تفرّس در خطابه‌ها^۲
 گهربار حضرت عبد البهاء که در صوامع و معابد مسیحیان در
 بلدان غرب از قم میثاق صادر گشته برسالت حضرت رسول
 اکرم نیز مقرّ و مدّعن گشته و آنحضرت را در صف اول انبیای
 الهی و شارعین شرائع سماویه خوانده همه چه شهادتسی
 داده که شایسته آن است عالم اسلام بالتّمام و علمای عظام
 بالاجماع بآن برگزیده ملک، علام افتخارکنند و مباحث نمایند
 که باثر کلمات عالیات آن مقلب القلوب حضرت عبد البهاء
 چنان ملکه جلیل الشّانی حضرت ختمی مآب را چون مسیح
 جلیل در عداد انبیاء مرسلین اولوالقدر نوشته بلکه انصاف
 این است که امت اسلام و ملوک اسلام علی الخصوص علمای
 ایران که بتمام قوی برقلع و قمع این فتنه مظلومه که یگانه مایه

افتخار و سعادت و نجات وطن آنان است قیام نموده اند
 بلسان واحد شهادت دهند که از برکت و میمنت ظهور
 حضرت بهاء الله و خلاقیت کلمات عالیاتش و حجج باهره
 قاطعه صادره از فم مرکز عهد و میثاقش حضرت عبدالبهاء
 در اثبات مقام حضرت سید المرسلین محبت و حقانیت آن
 رسول اکرم در قلوب و ارکان رؤسای دولی و امام ازملوک و حکام
 و دانشمندان جهان جای گرفته و تمکن و استقرار یافته
 شاید عبرت گیرند و تضییقات حالیه را اندکی تخفیف دهند
 و حکم منع دخول و تعمیم کتب و صحف امریه ای که کنوز و
 خزائن این درر ثمینه و حجج قاطعه جلیه در اثبات
 شریعت محمدیه است مرتفع سازند اکشف عن ابصارهم
 یا الهنا غشاوة الغل والبغضاء یا سمیع الدعاء و الحاکم
 علی ماتشاء و از قرار بیان نامه محفل مجلل روحانی مرکزی
 امریک، مجموعه جراید و مجلات خارجه که این سه پیام
 گرانبهارا که فی الحقیقه سر مشقی است از برای عموم مبلّغین
 و مبلّغات تابع نموده و چون برق خادف در آنحاء معمور
 انتشار داده عدد از ده ملیون متجاوز بوده تعالی تعالی
 صدع هذا الامر الابدع النافذ المبرم الخطیسر .

و از جمله نامه خصوصی آن ملکه عالی مقام است که بخط خویش
 باین عبد مرقوم نموده و به عباراتی دلنشین و کلماتی چون

شهد شیرین اظهار مافی الضمیر فرموده اسرار لدنی در آن رساله منطبع و انوار شناسائی از آن منعکس رائجه عبودیت کبری از مضمونش متضوع و آثار خلق جدید از فحوای آن ظاهر و باهر از جمله میفرماید " حَقًّا که پیام حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نورانیتی عظیم در من احداث نموده و این بشارت چون بشارت عظیمه وقتی بمن رسید که حزن و المی شدید و اضطراب و انقلاب باطنی و پریشانی خاطر گرفتار بودم لذا چون تخم پاک در ارض دل تمکنی تام یافت کوچکترین صبیه من نیز تقویت روح و تسلیت خاطر موفوری از تعالیم این د و مولای محبوب احساس مینمایید او و من هر د و این پیام را از فم بغمی میرسانیم و بهر نفسی که ابلاغ میگردد فی الفور سُطوع انوار در وجهش لامع و نمایان گردد و مشاکل معضله اش حلّ و معلوم شود و افکار مظلّمه اش مبدّل بنورانیت و امیدواری بی مثل گردد مرقوم نمود بودید که اعلان عمومی من مرهم زخم ستم دیدگان این امر بود این چه سعادت عظمی ایست از برای من و همین را علامت مقبولیت این تقدیمی زهید را در ساحت کبریا دانم
 محرك، روحی آن قوه قدسیه چنان مرا اسیر و مجذوب نمود که این تقدم و ابراز را مقاومت نتوانم به کمال خضوع و انکسار من نیز یقین نمایم که آلت دست پروردگارم و از این یقین

مستبشر وشاد مانم * مضمون نامه ای راکه یکی از اماء الرحمن
 امریک در ساحل محیط آتلانتیک، بآن مقتدای مبلغین و
 مبلغات امة الله المحترمه الفریدة الشهیره حضرت مارثارت
 روحی لقیامها الفداء نگاشته حکایت نماید که در اثنای سفر
 و سیاحت آن ملکه در آن سامان در ولیمه‌ای از ولایم حاضر
 گشته و هیئت منتخبه‌ای از یار و اغیار بپذیرائی و مهمان‌نوازی
 قائم و مشغول خانمی از اماء الرحمن بانضمام وسام رسمی
 که هریک از اعضای منتخبه برسینه خویش زده بودند صدر
 خویش را بنشان بدیع لمیح اسم اعظام مطرز و مزین نموده بود
 چون نظر ملکه بآن وسام الهی افتاد آن خانم محترمه
 بچشمهای آن ملکه نظر انداخته ندای الله ابهسی بر آورد
 و چون این ندا بسمع ملکه رسید قدم برداشته و از صف زدگان
 پیش افتاده و دست آن امه مؤمنه منجذبه را در دست
 خود گذاشته در مقابل حضار من دون تردد و توقف الله ابهسی
 جواب میگوید بشأنیکه بر آن موقفه مستبشره ثابت و مهووس
 میگردد که بچه حدی مجذوب و مفتون و دل باخته این امر
 عظیم گشته این است سطوت امر بها اینست قوه نفاذه
 شریعت الله تبارک الله رب الكرسی الرفیع و موجد هذا الامر
 البدیع و محدث هذا النور اللمیع قد خضعت له اعناق
 الملوك و خشعت له اصوات المطوك فسبحان ربنا المشرق

النَّاصِرِ الْمُتَعَالَى الْإِبْهَى . اى برادران وخواهران روحانى
بلوچ رئیس که از فم مشیت علام الغیوب نازل گشته رجوع
نمائید و بشکرانه مواهی و عطایای حضرت ذوالجلال پردازید
و بکمال تذلل و انکسار و تبتل و ابتهال بدرگاه ملیک مختار
تضرع و زاری نمائید که آنچه از قلم اعلى نازل گشته زود تر
جلوه گر گردد . قوله الابداع الاحلى قد اشتمل العالم
من كلمة ربك، الابهى و انها ارق من نسيم الصبا قد
ظهرت على هيئة الانسان و بها احبى الله عباد المقبلين ...
يارئيس بما فعلت زاد لهيبها واشتعالها سوف
يحيط الارض ومن عليها كذلك قضى الامر و لا يقوم معه حكم
من فى السموات والارضين زحف الناس حول البيت
وبكى علينا الاسلام والنصارى و ارتفع نحيب البكاء بين الارض
والسماء بما اكتسب ايدى الظالمين اما وجدنا ملاء
الابن اشد بكاء من ملل اخرى و فى ذلك آيات للمتفكرين ...
قد خرج الغلام من هذه الديار و اودع تحت كل شجر و حجر
وديعة سوف يخرجها الله بالحق كذلك اتى الحق وقضى
الامر من مدبر حكيم سوف يبعث الله من الملوك من
يمين اوليائه انه على كل شئ محيط ويلقى فى القلوب
حب اوليائه و هذا حتم من لدن عزيز جميل اى برادران
وخواهران روحانى تفكر نمائید و در آثار الهیه تمعن و تفرس کنید

قریب پنجاه سال است که شارع قدیر و ربّ خبیر و بصیر از فم
 مطهر چون غیث اطلس الواح نصحیه و اندازات شدیده
 و بشارات لمیعہ و خطابات قہریہ مخاطباً للطلوک، والسلاطین
 فی مشارق الارض و مغاربہا نازل فرمودہ و ہنوز اولین قرن
 بہائی بانتمہا نرسیدہ و دورہ اولی اکمال نگشتہ کہ ملاحظہ
 میگردد چگونه انصار و علمداران حزب مظلوم بتأئید و ہدایہ
 من لدنہ در قطعات خصمہ بفتح مدائن قلوب مشغولند
 و در عواصم بلاد راقیہ در دوقارہ اروپا و امریکہ گروہ مجاہدین
 و حاملین پیام امین نعرہ زنان و ہلہلہ گویان مقامات عالیہ
 را احاطہ نمودہ اند و در پیشگاہ سریر شہریاران و تاجداران
 حاضرگشتہ اند و بمقابلہ و مکالمہ و مبارزہ با عظمای امم
 مشغول و بدست خویش الواح الہیہ و زہر قیمہ را بآنسان
 سپردہ اند من بعد چون اجل معلوم در رسد نفس این
 سلاطین و روساء جمہور خود اقتدا باین نصرت دہندگان
 امرالہی نمایند و پا بمیدان گذارند و تاج سلطنت فانیہ
 را بر خاک اندازند و اکلیل مُرّصع عبودیت صرفہ محضہ بحتہ
 را بر سر نہادہ و در صف اول مبلغین درآمدہ باموالہم
 ارواحہم و ماوہبہم ربّہم بتبشیر و نصرت پردازند و بعد از
 اتمام دورہ خدمات باین اراضی مقدّسہ شتابند و خاضعاً
 خاشعاً متذللان منکسراً طواف مقامات مقدّسہ کنند و صوت

تهلیل و تسبیح و تمجید را بعنان آسمان رسانند و بزرگواری
این امر عظیم را بر جهان و جهانیان مکشوف و مبرهن سازند
و انّ هذا الوعد محتوم قد رفع الله عنه حکم البداء و زینه
بطراز الاثبات فی لوح حفیظ. هل یحسبن الذین ارادوا
اطفاء نور البهاء بان افول کوکب الصیثاق فرق جمعنا
وشتت شملنا و اضاع آمالنا لا ورب الافاق انه حیّ فی الملاء
الاعلی و سوف یرون المستهزئون یوم النصر باعینهم ویسمعون
الصیحة باذانهم یومئذ ترجف اركانهم و تقشعر جنودهم و
یرون انفسهم فی اسف عظیم و از جمله بشائر اولیه و عائم
فرحبخش غلبه و اعلان امر الله و استعلا و استقلال دین الله
و استخلاص و انفصال شریعة الله از سنن و شرائع متبوعه سابقه
قرار نهائی و اعلام صریح رسمی محکمه شرعیه قطر مصر است
که بعد از تفحص تام و تحرری و تجسس کامل و مباحثات و
مناقشات و تدقیقات متینه باطالع و تصویب حکام و رؤسای
شرع انور صادر گشته و رسماً ابلاغ گردیده و طبع و انتشار
یافته هر چند این حکم محکمه شرعیه پیروان شریعت حضرت
بهاء الله را از ملحدین و مرتدین شمرده و از کفار انگاشته
و خارج از ظل شریعت محمدیه دانسته و حکم نسخ عقد زواج
ما بین طرفین از بهائی و غیر بهائی صادر نموده ولی بصریح
عبارت و مستند بر استیضاحات و استدالات منصوصه قاطعه

مقتبسه از کتاب اقدس و کتاب عهد و کتاب ایقان و سوره هیکل و هفت وادی و الواح شتی که در نص آن حکم مسطور و مندرج است شهادت داده و اقرار و اعتراف نموده که آئین بهائی دینی است جدید و مستقل و دارای احکام و سنن و قواعد و اصول مخصوصه از جمله این فقراتست که از نص حکم استخراج گشته " من جمیع ما تقدم یثبت قطعاً ان البهائیه دین جدید قائم بذاته له عقائد و اصول و احکام خاصه تغایر و تناقض عقائد و اصول و احکام الدین الاسلامی تناقضاً تاماً فلا یقال للبهائی مسلم و لا العکس كما لا یقال بوزی او برهمی او مسیحی مثلاً مسلم و لا العکس للتناقض فیما ذکر " و در خاتمه تائید اللقول و اثباتاً للحکم این تأکید و تصریح و تحذیر اخیراً نموده " و من تاب و آمن و صدق بکل ما جاء به سیدنا محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم عن الله تعالی و علم مجیئه ضروره و عاد الی الدین الاسلامی الکریم عوده صحیحه فی نظر الاسلام و المسلمین حقاً لا فی نظر الاعداء الصطالین الذین یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون و سلم بان سیدنا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب هو خاتم النبیین والمرسلین لا دین بعد دینه و لا شرع ینسخ شرعه و ان القرآن هو آخر کتب الله و وحیه لا نبیائه و رسله و ان معانیه الصحیحه هنی ما دلّت علیه مفرداته و اسالیمه

العربيه قبل منه ذلك و جازتجد يد عقد زواجه و من يتبع
غير الاسلام دينا فلن يقبل منه و هو في الآخرة من الخاسرين
هرچند نظر بحکم فصل و تفريق که رؤسای شرع اسلام بصرافت
طبع رسما و علنا صادر نموده اند و پرده ستر را خود از وجه
حقائق و رموز و اسرار امریه برداشته اند پیروان اسم اعظم که
مقیم و ساکن ممالک اسلامیة اند بمرور ایام د و چار فشا رو
تضییقات گوناگون و شدائد و صدمات و ناملايمات متنوعه
مختلفه گردند و در معاملات د نیویه و کسب امور ظاهره و علاقات
شخصیه در زحمت و تعب افتند و برنج و محنت و خسارت^{متلا}
گردند ولی بیقین مبین بدانند که این رنج و تعب در سبیل
استخلاص و استعلاء و استقلال این امرنازهن است و هرگونه
تزییف و تحقیری در این سبیل در بساط ملاء اعلى مایه عزت
ابدیه و اکلیل سعادت سرمدیه است خوشابحال نفوسیکه
باین عطایه کبری و منحه عظامی و شرف اعلى و مقام اسنى در این
کوربدیع موفق و مفتخر گردند حال دشمنان دیرین خود
اولین قدم را تمهیداً و تسریعاً لکشف اسرار هذا الامر و
استعلاءه و استقلاله برداشته اند و این اعلان را نموده اند
و چنان شهرتی داده اند که بالمال خود پشیمان گردند
گمان نرود که چون امرالله سطوت و قوتی یابد و شهرتی نماید
و مقاصد و حقائق و اصولش معلومتر و مشهودتر و مکشوف تر گردد

آزار و بلیات وارده و بلا یای سابقه بساطش منطوی گردد
 و اعتراضات باطله و تعدیات شدید خاتمه یابد بالسواح
 مبارکه حضرت عبد البهاء توجه نمائید و با اشارات و دلالتش
 بی برید سی سال قبل از ظلمت و تنگنای سجن اعظم صریقلم
 میثاق مرتفع و از کلك شرربارش این آیات با هرات نازل :

" امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع طل و امم
 شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریا
 فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود
 و کل بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتائید
 از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند
 هنالك مهزوم من الا حزاب را ثابت و آشکار کنند " در اوراق
 اخبار و صفحات جرائد بر مصر و فلسطین و بریه الشام از طوائف
 و اقوام و مذاهب مختلفه متخاصمه متنازعه ولوله و گفتگودرمیان
 و مناقشات و مباحثات مستمر و در از دیاد بعضی بهائیانرا
 مرتد و ملحد دانند و برخی از مذاهب امت اسلام شجرند
 گروهی حزب مصلحین و متجددین گویند و جمعی مؤسسیین
 دینی مستقل و شریعتی جدید و مدنیتی جهانگیر خوانند
 ولی کل غافل از آنکه ید غیبی در کار است و سائق تقدیر
 بانواع وسائل و اسباب فئه مظلومه را از گرد ابهای بلاها
 و رزایا و حوادث و انقلابات مستمره عاقبه الامرجات و

استخلاص دهد و بسر منزل مقصود که علویت و غلبه و استقلال
ظاهره است رساند حال وقت آن است که یاران صمیمی
مخلص پر وفا و متمسکین بعروة الوثقی ایقان و ایمان بکمال
تعلق و شهادت و ثبات و متانت و فرزانی و فرزانت و انقطاع
و خلوص نیت باقلبی فارغ از شهوات نفسیه و تعلقات و تمایلات
مذهبیه و صد ری مُتَرَدُّ از حماسه و حَمِیتِ جاهلیه و تعصبات
فارغه و ذیلی مقدّس از رسوم و اوهام و عادات و تقالید شرّاع
و مذاهب مَداویّه منسوخه و افکار و اعمیه بالیه عنیفه خود را از قیود
عالم قدیم رهائی دهند و شریعت این یوم موعود را جلوه دهند
و نصرت نمایند در صراطِ مستقیم که منهج اعتدال است
و شاهراه عزت و سعادت بیزوال سالک و متحرک گردند و در
ممالک آزاد بتمام قوی بشریعت منزله از سماء اراده مالک البرّه
متمسک گردند و نظر را منحصر در آن نمایند و سنن و احکام و
قواعد کتاب مستطاب اقدس را بقدر وسع و مقدور اجرا نمایند
از تظاهر و تقلید و مداهنه و تقیه بپرهیزند و در تشریح و تنفیذ
اصول آئین امریها و اثبات استقلال و استغنائی شریعة الله
و تبیین قدر و منزلت و تقدیس و تنزیه امر حضرت ذوالجلال کتباً
و قولاً و عملاً جهد بلیغ و سعی متعادی مبذول دارند "

انتهی